

بررسی تأثیر گرایش‌های ارزشی جوانان بر نگرش به رفاه اجتماعی در شهر تهران

علی آقامحمدی

۱- مقدمه

در دو دهه اخیر موضوع توجه به زمینه‌های رفاه اجتماعی یکی از مقولاتی به‌شمار می‌رود که در، درون‌مایه برنامه اقتصادی و اجتماعی اول تا سوم و در شرایط فعلی در برنامه چهارم مورد توجه قرار گرفته است. تجلی این توجه در مصداق‌هایی چون توجه به کاهش فقرزدایی، تأمین فرصت‌های اجتماعی برابر، حل یا کنترل مسائل اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای اولیه انسانی و در مجموع توجه به نیازهای مادی و فرامادی و بسیاری از موارد دیگر را می‌توان برشمرد.

موضوع توجه به گرایش کنش‌گران اجتماعی و طبقات مختلف به رفاه اجتماعی امری است که میزان انتظارات و توقعات و رفتارهای مردم را در مقابل این امر بسیار مهم سمت و سو می‌بخشد. در واقع باید اذعان داشت که موضوع گرایش به رفاه اجتماعی امری است که در خلاً شکل نمی‌گیرد و به‌طور خاص از نظام معانی و نظام ارزشی و هنجاری کنشگران تأثیر می‌پذیرد. آنچه که تا اندازه قابل توجهی در نحوه نگرش به رفاه اجتماعی تأثیر دارد موضوع ارزش‌های اجتماعی است که برای هر فرد در یک پيوستار ارزشی در انواع مختلف اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی، علمی و هنری شکل می‌گیرد. در این مطالعه به‌طور روشن در پی برقراری ارتباط بین ارزش‌های اجتماعی و گرایش به رفاه اجتماعی می‌باشیم. بدون شك در بیان کلی موضوع تحقیق به بسیاری از موارد جزئی و نکته‌های دیگر نیز می‌توان اشاره کرد اما در بیان این موضوع سخن اصلی این است که ضمن برقراری این

رابطه جهات گوناگون آن مورد بحث و بررسی و تبیین علمی قرار گیرد.

۲- طرح مسأله

بحث رفاه اجتماعی موضوعی با ابعاد چندگانه است. جنبه‌های مختلف رفاه اجتماعی با ابعاد شخصیتی انسان‌ها دارای ارتباط مستقیم است. برای روشن شدن طرح مسأله اصلی در این مطالعه تعریفی از رفاه اجتماعی ارائه می‌گردد:

«رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی)، و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند.» (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۳)

ملاحظه می‌شود که ابعاد زیستی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی رفاه اجتماعی با اولویت‌های ارزشی افراد جامعه مرتبط می‌باشد و اصولاً بسته به اولویت‌های ارزشی افراد جامعه مرتبط می‌باشد و اصولاً بسته به اولویت‌های ارزشی و سلسله مراتب نظام ارزش‌های افراد نوع نگاه و نگرش آنها به رفاه اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. که زمینه را برای طرح پرسش‌های زیر فراهم می‌سازد آیا افرادی که دارای اولویت‌های ارزشی مذهبی هستند با افرادی که دارای اولویت ارزشی اقتصادی هستند نگرش واحدی به رفاه اجتماعی دارند آیا با توجه به تفاوت مراتب ارزشی در نوع نگرش و نحوه و میزان این نگرش با یکدیگر متفاوتند؟ در حقیقت با توجه به تعبیر پارسونز واقعیت غایی یا همان کمال مطلوب که انسان‌ها در قالب نمادها و سمبل‌ها بدنبال آن می‌باشند ولی هنوز آن را

۳- ضرورت و اهمیت موضوع

ضرورت و اهمیت موضوع این مطالعه ناشی از این نکته مهم است که نظام ارزش‌ها در شکل‌گیری و شکل‌دهی گرایش‌ها مؤثر است.

در مورد گرایش دو تعریف مهم ارائه شده است. در تعریف اول «گرایش عبارت است از یک نوع آمادگی فکری و اعصابی (احساسی) که بوسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سروکار دارد تأثیری جهت‌دهنده یا پویا می‌گذارد.» (آپورت، ۱۹۷۳: ۲۴)

در تعریف دوم «گرایش یک سیستم از عکس‌العمل‌هایی ارزیابی‌کننده است که مبتنی بر اعتقادات و چارچوب‌هایی هستند که بر اساس آنها این ارزیابی انجام می‌گیرد. این چارچوب و پایه‌های ارزیابی‌کننده در دورانه‌های مختلف شکل‌گیری شخصیت در خانواده و در جامعه بوجود می‌آید.» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۶ به نقل از وایت ۱۹۸۹)

با توجه به تعاریف فوق گرایش به عنوان یک سیستم ارزیابی‌کننده است که دارای بُعد فکری و آگاهی می‌باشد. در این مطالعه گرایش به رفاه اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته مورد نظر است که تحت تأثیر چه عوامل و چه ارزش‌هایی این گرایش بوجود می‌آید و اهمیت آن از آنجا ناشی می‌شود که عوامل مؤثر بر گرایش به رفاه اجتماعی را در بُعد ذهنی و در مقیاس فردی تعیین می‌کند و سهم ارزش‌های مختلف را در این گرایش مورد توصیف، تحلیل و تبیین قرار می‌دهد و از این طریق نسبت ارزش‌ها را به تعیین گرایش‌ها که موضع‌گیری و سوگیری نسبت به رفاه اجتماعی را بدنبال دارند مشخص می‌نماید.

دستاوردهای مطالعه می‌تواند در حد جامعه مورد تحقیق مورد استفاده کاربردی و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

۴- اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق عبارت است از:

- شناسایی نظام ارزشی کنشگران اجتماعی در جامعه مورد مطالعه
- گرایش‌های رفاهی کنشگران در جامعه مورد مطالعه
- تبیین رابطه بین نظام ارزشی کنشگران اجتماعی با گرایش به

بدست نیاورده‌اند، می‌تواند نگرش متفاوتی به موضوعات اجتماعی از جمله رفاه اجتماعی بدنبال داشته باشد. بدیهی است که در صحنه اجتماعی طرز تلقی‌ها و نگرش‌های متفاوتی به موضوع رفاه اجتماعی دیده می‌شود که بر یک پیوستار می‌توان آن را از برآورد شدن نیازهای پایه تا توقعات در سطوح بالا مدرج کرد.

به طور حتم بر محقق اهل تأمل این نکته روشن می‌باشد که رابطه بین نظام ارزش‌های افراد با نحوه نگرش آنها مسئله‌ای است که قابلیت تبیین علمی داشته و می‌توان آن را در یک منظومه قابل تحلیل مورد بررسی قرار داد و این موضوع ساخته و پرداخته ذهن نبوده و یک واقعیت اجتماعی به شمار می‌آید و تجلی آن وجود دیدگاه‌های متفاوتی است که ریشه افتراق و اشتراک آنها به همان بخش جهت‌گیری ذهن بازمی‌گردد که از اطلاق فرمان ارزش‌ها تأثیر می‌پذیرد. این ایده مولانا که:

«آدمی اول حریص نان بود زانکه قوت نان غذای جان بود»
حاکی از آن است که یک بُعد رفاه تأمین نیازهای پایه است این امر در واقع نقطه اشتراک بین انسانها به شمار می‌آید اما سطوح رفاه، نحوه نگرش به آن و میزان کامیابی از ابعاد گوناگونی که در تعریف فوق به آنها اشاره رفت می‌تواند منبعث از نظام ارزشی و نقطه عزیمت بایدها و نبایدها باشد.

از منظر رفاه اجتماعی نیز این موضوع از آن جهت جایگاه یک مسئله اجتماعی را بدست می‌آورد که در طی سالهای ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۱ شاخص رفاه اجتماعی رو به بهبودی گذاشته است بدین ترتیب که در سال ۱۳۶۸ این شاخص ۶۵/۸ بوده که در سال ۷۸ به ۹۶/۲ رسیده است و در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ شاخص رفاه اجتماعی به دلیل افزایش درآمد سرانه و ثبات نسبی توزیع کلی درآمد، بهبود یافته است.

یکی از علت‌های افزایش شاخص رفاه اجتماعی می‌تواند افزایش درآمد اقتصادی باشد اما بی‌تردید میزان گرایش‌های آحاد جامعه به رفاه اجتماعی نمی‌تواند معلول افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه باشد و در این خصوص سایر عوامل نیز مؤثر خواهند بود. با توجه به پرسش‌های مطرح شده و تأثیری که نظام معانی، کمال مطلوب‌ها و ارزش‌ها در شکل‌گیری گرایش‌ها و در نهایت جهت‌گیری اختیاری کنشگران اجتماعی دارند مسئله این پژوهش در قالب بررسی چگونگی تأثیر گذاری ارزشی بر گرایش کنشگران، به رفاه اجتماعی

- تبیین رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای جنس و سن با ارزشهای اجتماعی کنشگران و نیز گرایش به رفاه اجتماعی

۵- دیدگاههای نظری

اینگلهارت

یکی از نظریه‌های مهمی که در زمینه دگرگونی ارزشها در دوره فعلی مطرح شده نظریه دگرگونی ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی رونالد اینگلهارت می‌باشد.

اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی تحول در ارزشهای مادی انسانهای این جوامع رخ داده به گونه‌ای که روند این تحول حرکت از ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی را نشان می‌دهد.

اوطی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزشها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی‌ای است که نسبت به نسل قدیم رخ داده و در این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتری در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد.

اینگلهارت نتایج مطالعات خود را در دو کتاب با نام انقلاب آرام و تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی مطرح ساخته است. در این جا به بحث درباره کتاب انقلاب آرام می‌پردازیم.

۱-۵۱ انقلاب آرام (۱۹۷۷)

کتاب انقلاب آرام نتیجه مطالعه‌ای است که در دوره‌ای از زمینه‌یابیهای نوسان‌سنج اروپا که پیوسته به مدت دو دهه تحت نظارت کمیسیون جامعه اروپا انجام شده تدوین گردیده است.

این طرح پژوهشی به صورت مرتب نگرشها، ارزشها و رفتار مردم دوازده کشور غربی راستنجدیده است. منبع دیگر کتاب «زمینه‌یابی‌های ارزشهای جهانی» است که در سال ۱۹۸۱-۸۲ در بیست و پنج کشور توسط گروه مطالعاتی نظامهای ارزشی اروپا انجام شده است و نهایتاً سومین منبع کتاب مطالعات مربوط به سه گروه برگزیده ثابت است که توسط محققان در کشورهای صنعتی انجام پذیرفته است. در واقع کتاب انقلاب آرام نخستین دستاورد مطالعات سه‌گانه فوق است. در انقلاب آرام اینگلهارت تصریح می‌ورزد که: «ارزشهای مردم غرب از تأکید کامل بر رفاه مادی و امنیت جانی به سوی تأکید بیشتر بر کیفیت زندگی تحول یافته است. علتهای پیامدهای این دگرگونی پیچیده است. اما باید يك اصل اساسی را به طریقی ساده بیان کرد: مردم بیشتر نگران نیازهای فوری و آنچه تهدیدشان می‌کند هستند تا چیزهایی که دور از دسترس و غیر ضروری به نظر می‌آیند. لذا با آنکه میل به زیبایی کم و بیش عمومی است، اما مردم گرسنه بیش از آنکه در فکر ارضاء این تمایل باشند در جستجوی غذا هستند. امروزه، گروه وسیعی از مردم غرب در امنیت اقتصادی بی‌سابقه‌ای پرورش یافته‌اند. امنیت اقتصادی و جانی مسلماً هنوز هم دارای ارزش مثبت هستند، اما اولویت نسبی‌شان کمتر از گذشته است.»

در انقلاب آرام تغییرات در سطح سیستم منجر به تغییرات ارزشی در سطح فرد می‌شود و مجدداً پیامدهای آن در سطح سیستم ظاهر می‌گردد. نمودار بررسی کلی فراگردهای دگرگونی چنین است:

نمودار ۲-۲ بررسی کلی: فراگردهای دگرگونی مورد بررسی، به نقل از اینگلهارت، ۱۹۷۷، ۵.

تغییرات در سطح سیستم:

۱. توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی ارضای نیازهای طبیعی نسبت وسیعتر از جمعیت
۲. افزایش سطح تحصیلات
۳. تجارب متفاوت گروههای سنی فقدان جنگ فراگیر در طول عمر نسل گذشته
۴. گسترش ارتباطات جمعی نفوذ رسانه‌های جمعی؛ افزایش تحرک جغرافیایی

تغییرات در سطح فرد:

ارزشها:

اهمیت بیشتر به نیازهای دلیستگی
به دیگران، احترام و تحقق خود

مهارتها:

افزایشی بخشی از جمعیت کدرازی
مهارتهای سیاسی در سطح ملی است

پیامدها در سطح سیستم:

۱. دگرگونی در مسائل سیاسی حاکم؛ تأکید بر مسائل شیویندگی
۲. دگرگونی در شالوده‌های اجتماعی بر خورد سیاسی؛ کاهش نسبی بر خورد طبقاتی
۳. دگرگونی در حمایت از نهادهای ملی موجود؛ زوال مشروعیت کشور ملت؛ پیدایش تعلقات فراملی و قبیله‌ای
۴. دگرگونی در اشکال متداول مشارکت سیاسی؛ زوال بسیج سیاسی سرآمد. وابسته؛ پیدایش گروههای مسأله‌گرای سرآمد طلب

۳-۵. فرضیات نظریه دگرگونی ارزشها

این نظریه بر اساس دو فرضیه بنیادی استوار شده است. دو فرضیه مذکور به قرار زیر می‌باشند:

۱- فرضیه کمیایی

اولیتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزشها را برای آن چیزها قائل می‌شود که عرضه آنها نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن

مناسبات میان محیط اجتماعی اقتصادی و اولیتهای ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست: یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزشهای اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سالهای قبل از بلوغ وی حاکم است.

فرضیه کمیایی بر اساس سلسله مراتبی که ابراهام مزلو برای نیازهای انسانها تدوین کرده است، استوار می‌باشد و این سلسله مراتب نیازها در ساده‌ترین صورت خود تقریباً به رضایت عمومی اشاره دارد. اینکه نیازهای مادی ارضاء نشده بر نیازهای ذهنی، زیبایی شناختی و اجتماعی تقدم دارند به طور کلی بارها در تاریخ اثبات شده است. مردم گرسنه برای بدست آوردن غذا از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند حال چنانچه هر کدام از نیازهای نخستین برآورده شود به ترتیب نیازهایی که مبنای اجتماعی دارند مطرح می‌شوند یعنی بعد از نیازهای مادی و ایمنی نیازهایی مانند احترام، ابراز نظر و ارضاء زیبایی شناختی مورد نظر انسان قرار می‌گیرد. مطالعه وضعیت اقتصادی کشورهای پیشرفته این نکته را نشان می‌دهد که جوامع در تأمین مسائل مادی و ایمنی هیچگاه دچار مخاطره نبودند و این امنیت اقتصادی منجر به تحولی تدریجی شده که در آن نیاز به احترام، رابطه نزدیک با دیگران، رضایت ذهنی و زیبایی شناختی مهمتر شده‌اند. در حقیقت رسیدن به دوره‌ای که در آن ارزشهای فرامادی مطرح باشند نیازمند دوره‌های طولانی رونق و شکوفایی اقتصادی است و شرایط مغایر، وضعیت مغایر را بوجود می‌آورد. (اینگلهارت ۱۹۹۰: ۷۵)

اینگلهارت خود اذعان می‌دارد که فرضیه کمیایی به تنهایی برای تغییر تحول و دگرگونی ارزشها ناکافی است. به همین دلیل او چون محیط فرهنگی و نهادهای رفاه اجتماعی‌ای را که فرد تحت تأثیر آنها پرورش یافته مطرح می‌کند و بازتاب ذهنی

بسط و بحث مفصل در خصوص ثنوری دگرگونی ارزشها در اثر دیگر رونالد اینگلهارت با نام تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی است که ادامه این بحث را با استفاده از آن منبع دنبال می‌کنیم.

۲-۵. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی ۱۹۹۰

در ادامه تحقیقات سه گانه‌ای که به عنوان منابع کتاب انقلاب آرام ذکر شد اینگلهارت نتایج بدست آمده از ادامه آن تحقیقات را در این کتاب آورده است.

در این اثر ماهیت دگرگونیهای فرهنگی و علتها و پیامدهایشان بررسی شده است. دامنه پژوهش گسترش یافته و بر این اساس گذار از ارزشهای مادی به فرامادی مورد اثبات قرار گرفته است.

اینگلهارت فرهنگ را نظامی از نگرشها، ارزشها و دانشی می‌داند که به طریزی گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. در حالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی فطری و عمومی است، فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تغییر کند. جنبه‌های اصلی فرهنگ و آن جنبه‌هایی از آن که در مراحل اولیه زندگی آموخته می‌شود در برابر دگرگونی مقاومت می‌کنند هم بدین دلیل که به تلاش زیادی برای تغییر عناصر اصلی ساختار شناختی بزرگسالان نیاز است و هم از این رو که اصلی‌ترین ارزشهای شخص به حد افراط می‌رسند و دل‌کنند از آنها موجب تردید و اضطراب عمیق می‌شود. حتی ممکن است در صورت تحولات اساسی و پایدار در اوضاع اجتماعی بخشهای اصلی یک فرهنگ نیز دچار دگرگونی شوند اما آنها از طریق جایگزینی نسلیها به مراتب بیشتر قابل تغییر هستند تا تغییر بزرگسالانی که قبلاً اجتماعی شده‌اند. (اینگلهارت: ۱۹۹۰: ۱۹)

در جای دیگر در خصوص تغییر فرهنگ او معتقد است که فرهنگ ثابت نیست. فرهنگ، نظامی است که از طریق آن جامعه با محیطش تطابق می‌یابد: در صورت تغییر محیط احتمال دگرگونی آن نیز در بلندمدت وجود دارد. او به عنوان مثال بر غیردینی شدن فرهنگ‌های کاتولیک تأکید می‌کند و اینکه مناطقی که تحت نفوذ اخلاق پروتستان قرار داشته‌اند با به ظهور رسیدن سنی که در امنیت اقتصادی بی‌سابقه‌ای پرورش یافته بودند و دارای ارزشهای فرامادی بودند اثرات دیربای توسعه اقتصادی دیده می‌شد. (اینگلهارت،

فرد، از ارزشهای تحول یافته را ناشی از فرایند جامعه‌پذیری او نیز می‌داند در واقع شکل‌گیری شخصیت پایه که شخص تا زمان بلوغ ساختار اصلی آن را بدست می‌آورد و در دوران بزرگسالی تغییر اندکی در آن بوجود می‌آید نقطه عزیمت برای تکمیل نظریه دگرگونی ارزشهاست. او مانند بسیاری از روان‌شناسان نیز بر این نکته تأکید دارد که جامعه‌پذیری در سالهای ابتدای زندگی در مقایسه با جامعه‌پذیری در بزرگسالی اهمیت بیشتری دارد و ضمن آنکه تغییر در بزرگسالی را رد نمی‌کند اما رشد انسان را ظاهراً در طول سالهای قبل از بلوغ سریعتر از دوران پس از آن می‌داند و با تکیه بر شواهد آماری بیان می‌دارد که احتمال دگرگونی آماری شخصیت پایه پس از آن که شخص به بزرگسالی رسید کاهش می‌یابد. (اینگلهارت ۱۹۹۰: ۷۶)

تکمیل این دو فرضیه توسط یکدیگر از نظر اینگلهارت، دگرگونی ارزشها را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. نخست، «درحالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزشهای فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است [که] نه ارزشهای فردی و نه ارزشهای یک جامعه به‌طور کلی یکسببه تغییر نمی‌کند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزشها به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد؛ این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که یک نسل جوانتر جایگزین نسل مستتر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود. دوم، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی شخص انتظار دارد بین اولویتهای ارزشی گروههای بزرگتر و جوانتر تفاوتی محسوس بیابد؛ این اولویتهای ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلف سالهای شکل‌گیری نشان باشد.

نظریه ساختار ارزشی شوارتز

شوارتز، با توجه به نظریه راجیک در زمینه ارزشها به طرح نظریه خویش درباره ارزشها پرداخته و مقیاسی را برای اندازه‌گیری ارزشها تهیه نموده است. براساس نظریه، ارزشها، اهداف فراموقعیتی هستند که به عنوان اصول راهنما در خدمت زندگی فرد یا گروه قرار داشته و اهمیت متفاوتی دارند. براساس فرضیات شوارتز، با توجه به این که ارزشها به عنوان اهداف در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین ابعاد ارزشی و ارزشهای تشکیل دهنده آنها براساس سه ملاک از هم تشخیص داده می‌شوند.

نخست این که، ارزشها ممکن است در خدمت منافع فردی یا جمعی باشند. دوم، از ارزشها ممکن است که ارزشهای ابزاری یا غایی باشند و سوم، ارزشها در ارتباط باده بعد انگیزشی هستند که برخاسته از سه نیاز اساسی بشر، یعنی نیازهای زیست‌شناختی، نیاز به تعامل اجتماعی و نیازهای اساسی و رفاهی هستند.

ده بعد انگیزشی ارزشها عبارتند از: خیرخواهی (Benovelence)، سنت (Tradition)، هم‌نوایی (Conformity)، امنیت (Security)، قدرت (Power)، موفقیت (Achievement)، برانگیختگی (Stimulation)، لذت‌طلبی (Hedonism)، خوداتکایی (Self-direction) و جهان‌گرایی (Universalism) که با توجه به تحقیقات انجام شده شوارتز، در تمام فرهنگها وجود داشته و نسبتاً دارای معانی یکسانی است.

فهرست ابعاد ارزشی دهگانه و ارزشهای متعلق به هر بعد به شرح زیر است:

۱- استقلال

آزادی - خلاقیت - مستقل - انتخاب اهداف خود - کنجکاوی - احترام به خود - حق برخورداری از حریم خصوصی

۲- انگیزش

زندگی مهیج - زندگی متنوع - شجاعت

۳- لذت‌طلبی

رضایت - زندگی لذت‌بخش - خوش گذراندن

۴- موفقیت

۵- قدرت

قدرت اجتماعی - ثروت - اقتدار - اعتبار اجتماعی - حفظ

وجه عمومی خود

۶- امنیت

امنیت ملی - امنیت خانوادگی - احساس تعلق - نظم

اجتماعی - سلامت - پاکیزه

۷- هم‌نوایی

فهم و دانش - انضباط شخصی - مؤدب بودن - احترام به

والدین و بزرگترها - مطیع

۸- سنت

احترام به سنتها - پذیرش سهم خود در زندگی - معتدل -

دیندار - فروتن

۹- خیرخواهی

ارزش‌های جمع‌گرایانه و ارزش‌های فردگرایانه به شیوه زیر تقسیم می‌شوند:

الف- ارزش‌های جمع‌گرایانه: شامل خیرخواهی، جهان‌گرایی، سنت، امنیت و همنوایی.

ب- ارزش‌های فردگرایانه: شامل قدرت، استقلال، زندگی هیجان‌انگیز و لذت‌گرایی

شوارتز در زمینه ارزش‌ها، سه سؤال اساسی به شرح زیر مطرح می‌نماید: نخست، چگونه اولویت‌های ارزشی افراد توسط تجربه‌های اجتماعی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرند؟ به عبارت دیگر، چگونه تجربیات مشترکی که افراد به دلیل دارا بودن موقعیت‌های مشترک در ساختار اجتماعی (مانند تحصیلات، سن، جنس، شغل و...) دارند، بر اولویت‌های ارزشی آنها تأثیر می‌گذارد؟ و چگونه تجربه‌های منحصر به فرد افراد، مانند ضربه‌های روحی، روابط با والدین، مهاجرت و... بر اولویت‌های ارزشی آنها تأثیر می‌گذارد؟

شوارتز معتقد است برای طرح فرضیاتی درباره روابط اولویت‌های ارزشی با متغیرهای بیرونی، بایستی نظام ارزشی

یاری‌گر-مسئول-شریف-جهانی در صلح-وفادار-دوستی حقیقی-بخشنده-عشق واقعی

۱۰- جهان‌گرایی

برابری-یگانگی با طبیعت-خرد-جهانی سرشار از زیبایی‌ها-عدالت اجتماعی-حفظ محیط زیست-وسعت نظر-وحدت با طبیعت

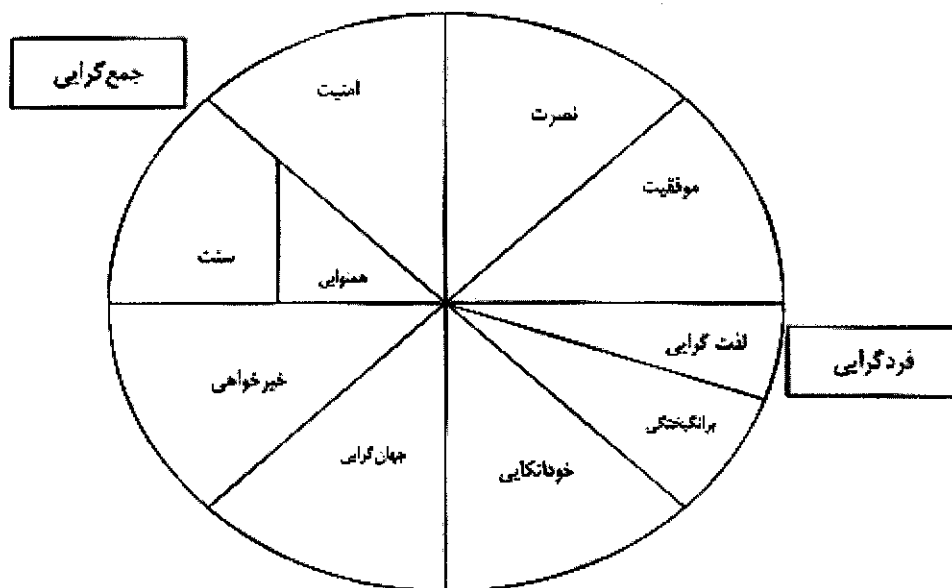
ابعاد ارزشی در مجموع، دو محور دوقطبی را تشکیل می‌دهند: نخست، آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری و دوم، توجه به ماورای خود در برابر تقویت خود.

به عبارت دیگر، بعد آمادگی برای تغییر شامل نوع‌های ارزشی خوداتکایی، برانگیختگی و لذت‌گرایی است. ارزش‌های قدرت‌گرایی، موفقیت و لذت‌طلبی، نمایانگر بعد تقویت خود است و ارزش‌های سنت‌گرایی، همنوایی و امنیت، بیانگر بعد محافظه‌کاری است و در نهایت جهان‌گرایی و خیرخواهی، بعد خودتعالی بخشی یا توجه به ماورای خود را نمایان می‌سازد.

همچنین انواع ارزشی دهگانه در مجموع به دو بعد

جدول ۱-۲: نوع‌های انگیزشی ارزش‌های شوارتز

ردیف	نوع ارزشی	تعریف	مثال
۱	خیرخواهی	تلاش برای حفظ رفاه و آسایش دیگران	مفیدیت، درستکاری، بخشنده بودن، وفاداری، مسئولیت‌پذیری
۲	سنت	پابندی به آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی و فرهنگی	خضوع، فروتنی، پذیرش سهم خود در زندگی، دینداری، احترام به سنت و اعتدال
۳	همنوایی	خودداری از کنش‌ها و تمایلاتی که سبب ناراحتی و آسیب دیگران می‌شود و تعدی از هنجارها و انتظارات اجتماعی به شمار می‌رود	مودب بودن، مطیع بودن، نظم فردی، احترام به والدین و بزرگترها
۴	امنیت	سلامت، هماهنگی و ثبات در جامعه و در روابط خود با دیگران	امنیت خانوادگی، امنیت ملی، نظم اجتماعی
۵	قدرت	پایگاه اجتماعی و پرستیژ، کنترل و تسلط بر مردم و منابع	قدرت اجتماعی اقتدار، ثروت، حفظ اعتبار اجتماعی فرد
۶	موفقیت	موفقیت فردی از طریق رقابت بر اساس معیارهای اجتماعی	موفقیت، توانایی، جاه‌طلبی، دلاری نفوذ بودن
۷	انگیزش	هیجان، نوخواهی، مبارزه در زندگی	شهامت، داشتن زندگی متنوع و هیجان‌انگیز
۸	لذت‌طلبی	احساس رضایت و کامروایی در زندگی	لذت و خشنودی نفسانی، زندگی لذت‌بخش
۹	خوداتکایی	تشکر و انتخاب کنش مستقل، خلاقیت، کشف	خلاقیت، آزادی، استقلال، کنجکاری، مصر به انتخاب اهداف خود
۱۰	جهان‌گرایی	مدار و حمایت از رفاه همه افراد و طبیعت	وسعت نظر، فهم، عدالت اجتماعی، برابری صلح جهانی، جهانی از زیبایی، هماهنگی با طبیعت و حفظ محیط زیست



اجتماعی (یا روابط همیاری و حمایتی اولیه، انجام امور مولد و نوآورانه و برآورده کردن نیازها و خواسته‌های شخصی) محسوب می‌شود.

آلبورت: (تیپ‌های ارزشی - شخصیتی)

آلبورت ارزشها را با علاقه مسلط یکی دانسته و شخصیت را به عنوان چیزی که توسط علایق و گرایشات مشخص می‌شود، در نظر می‌گیرد. به این اعتبار تئوری آلبورت را تیپ‌های ارزشی - شخصیتی نامیده‌اند.

یکی از آثار آلبورت کتاب «مطالعه ارزشها» می‌باشد که در این کتاب طیفی را با همین عنوان جهت بررسی تیپ‌های ارزشی - شخصیتی افراد معرفی کرده است. او هدف این تست را سنجش تسلط نسبی یکی از شش ارزش یا انگیزش اساسی در شخصیت فرد بیان می‌کند. این ارزشها عبارتند از: نظری، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی.

نظریه گرایش فیش باین - آیزن

مهمترین نظریه را در زمینه گرایش فیش باین و آیزن ارائه کرده‌اند. آنها در پی یافتن یک تئوری برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند: به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ما قبل بروز رفتار «قصد و نیت» به انجام یک رفتار است.

افراد را به صورت یک ساختار پیوسته از نوع‌های ارزشی در نظر گرفت. وی معتقد است که اهمیت ارزش‌های همنوایی با افزایش سن کاهش می‌یابد. همچنین اهمیت ارزش‌های سنت و امنیت با افزایش سن فزونی می‌گیرد و اهمیت لذت‌گرایی و خودانگیزی کاهش می‌یابد.

شوارتز معتقد است که اولویت‌های ارزشی در افراد متعلق به جوامع اشتراکی و جوامع قراردادی متفاوت است. جوامع اشتراکی دارای گروه‌های نخستین گسترده‌ای هستند که در آنها، افراد تعهدات جمعی و انتظاراتی را (که در حد زیادی بر مبنای پایگاه‌های انتسابی پدیدار آنها است) اشاعه داده‌اند. در حالی که ویژگی جوامع قراردادی، وجود گروه‌های نخستین محدود و روابط اجتماعی ثانویه است که در آن، افراد تعهدات خاص و انتظاراتشان را به وسیله عبور از فرایند اصلاح و اکتساب پایگاه‌هایشان توسعه داده‌اند. وی معتقد است که در جوامع اشتراکی (نسبت به جوامع قراردادی)، نوع‌های ارزشی سنت، خیرخواهی و جهان‌گرایی اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ در حالی که در جوامع قراردادی، نوع‌های ارزشی استقلال، انگیزش و جهان‌گرایی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

شوارتز، متذکر می‌شود که یکسانی سلسله مراتب ارزشی در همه فرهنگ‌های مورد مطالعه، می‌تواند به عنوان کارکرد تطبیقی ارزش‌ها در برخورد با سه نیاز اساسی کارکرد

۲-۱- هنجار ذهنی

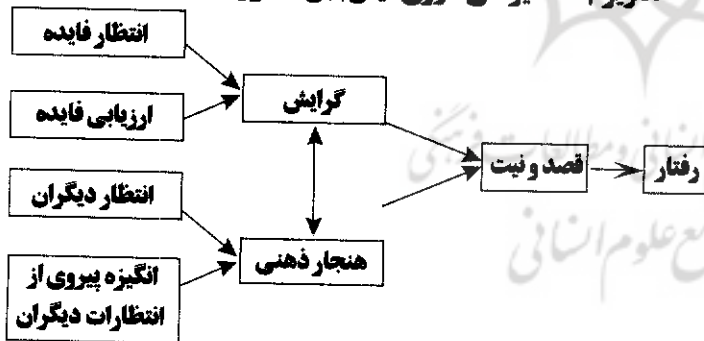
چنانچه گفته شد در تئوری فیش باین- آیزن این متغیر منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی يك شخص برای انجام يك رفتار است. بدین معنی که شخص به آن توجه دارد که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروههای خاصی قرار خواهد گرفت. در واقع این نکته نیز مبین این است که وقتی متوسط ارزشهای اجتماعی موضوع رفاه اجتماعی و گرایش به آن را در صدر قرار می دهد تأییدی بر این مسأله است و در نتیجه، نفوذ و فشار اجتماعی برای بروز گرایش بیشتر می شود. افراد و گروههای اجتماعی بیرونی و درونی در واقع نقش يك مرجع هدایت کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک و همکاران و یا اهالی يك محل باشند.

این متغیر خود به دو عامل دیگر تجزیه می شود:

● انتظار آنکه يك رفتار خاص از سوی «دیگر افراد مهم گروه چگونه ارزیابی می شود که ما از این پس این دیگر افراد مهم را «دیگران» می نامیم.

● انگیزه فرد برای پیروی از «انتظارات دیگران» (یعنی آیا اصلاً برای شخص A حرف مردم مهم است یا نه که درباره او چه می گویند) (رفیع پور: ۷۲، ۱۱)

تصویر ۲- متغیرهای تئوری فیش باین- آیزن



نظریه ساپ و هارود (Sapp & Harrod)

ساپ و هارود در تحقیقات خود در کنار متغیرهای تئوری فیش باین- آیزن يك متغیر دیگری را بنام «پذیرش اجتماعی» (Acceptability Social) در نظر گرفتند. آنها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت مؤثر است. بدین منظور آنها به تئوری گروه مرجع رجوع می کنند و در این زمینه بالاخص برداشت و تعریف آقای شیپوتانی از گروه مرجع را در

وجود آمدن «قصد و نیت» به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است:

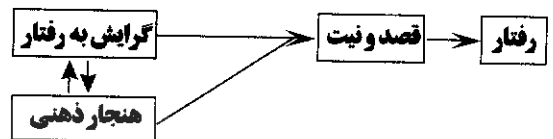
۱- گرایش به سوی آن رفتار

۲- هنجار ذهنی

● متغیر اول (گرایش بسوی آن رفتار) يك متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام يك رفتار (یا يك پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می کند که آیا خوب یا بد است.

● متغیر دوم (هنجار ذهنی) منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آنرا برای انجام يك کاری (رفتاری) احساس و ادراک می کند. تصویر ۱ رابطه بین این متغیرها را با رفتار نشان می دهد:

تصویر ۱- جایگاه گرایش در تئوری فیش باین- آیزن



میزان تأثیر هر يك از این دو متغیر (گرایش و هنجار ذهنی) در وجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. لذا گاهی ممکن است تأثیر گرایش بیشتر باشد و گاه تأثیر هنجار ذهنی. (رفیع پور، ۹:۷۲)

نقطه قابل توجه در این بحث، شخصیت فرد و شرایط اجتماعی است که در واقع سنگ بنای نظام ارزشهای فرد به شمار آمده و نقش اصلی در وجود آمدن قصد و نیت و گرایش به يك پدیده را دارد. در واقع گرایش و تمایل به موضوع رفاه اجتماعی بر اساس این دیدگاه، ناشی از نظام ارزشهای فرد است که می تواند موجبات گرایش به رفتار و هنجار ذهنی مناسب را برای ایجاد قصد و نیت فراهم آورد. بر این اساس تشریح دو متغیر گرایش و هنجار ذهنی ضروری است.

۱-۱ گرایش

در این تئوری گرایش به نوبه خود تابع دو عامل دیگر در نظر گرفته شده است.

● انتظار فایده Expectation of an Outcome یا باور

Belief

● ارزیابی فایده Evaluation of Outcome

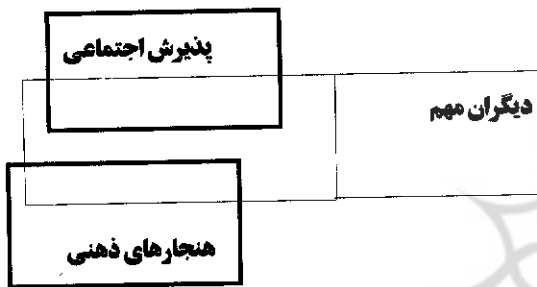
«انتظار فایده» به معنی آن است که يك شخص تا چه حد از يك پدیده انتظار فایده دارد. «ارزیابی فایده» نسبتاً روشن است و طی آن شخص ارزیابی می کند که آیا آن پدیده به نظر او برای

متغیر هنجارهای ذهنی در تئوری فیش‌باین - آیزن چیست؟ ساپ و هارود (همانند فیش‌باین و آیزن) برای متغیر هنجارهای ذهنی دو معرف «نظر اولیاء» و «نظر دوستان» را انتخاب کرده‌اند.

نکته مهم برای بحث ما آنست که این معرفها (و گویه‌های ساده) «پذیرش اجتماعی» آنچنان تفاوتی با معرفهای هنجارهای ذهنی ندارند که بتوان یک مرزبندی مشخص و منطقی و تئوریک (و نه آماری) بین این دو متغیر نمود. (همان: ۷۲:۱۴)

تصویر ۲- نداخل فضای مفهوم پذیرش اجتماعی و

هنجارهای ذهنی (به نقل از رفیع پور ۱۵: ۷۲)



نظریه‌های رفاه اجتماعی

بعد از بررسی مفهوم رفاه و شش عنوان مرتبط با آن، به موضوع رفاه اجتماعی پرداخته و نظریه‌های صاحب‌نظران رفاه اجتماعی را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

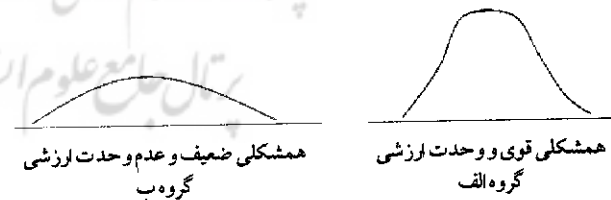
۱- جرمی بنتام

پتريك در خصوص دیدگاه وی بیان می‌دارد: «جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) این اعتقاد را داشت که ما مجبور نیستیم بحث خود را صرفاً به رفاه فردی محدود کنیم. برای بنتام، رفاه مترادف بهره‌مندی یا مطلوبیت بود، که آن را به منزلهٔ خیر و خوشبختی و، بنابراین، قابل اندازه‌گیری تعریف می‌کرد: در واقع، يك «معادلهٔ لذت» وضع کرد که اجازه می‌داد لذتی را که من از خوردن شکلات می‌برم با لذتی که شما از رژیم گرفتن می‌برید یا یکدیگر مقایسه کرد یا اندازه گرفت. این قابلیت اندازه‌گیری مطلوبیت یا بهره‌مندی است که به ما اجازه می‌دهد رفاههای فردی را در هم ترکیب کنیم

نظر می‌گیرند. شیباتانی از اصطلاح گروه مرجع کلی استفاده می‌کند و آنرا گروهی می‌داند که «تقش يك چارچوب مرجع را ایفا می‌کند... و عقاید يك سیستم اجتماعی وسیعتر را منعکس می‌سازد» بدین ترتیب «انسان جهان اطراف خود را از دیدگاه گروه مرجع کلی ادراک می‌کند» (۱۸۹: ۴۲۳) ساپ و هارود به نقل از رفیع پور)

گروه مرجع می‌تواند بنا بر این هر مجموعه از مردم (مثلاً محله، روستا،...) باشد این گروه مرجع يك چارچوب ارزشیابی را بوجود می‌آورد که بر اساس آن اعضاء سیستم اجتماعی یا گروه خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می‌نمایند. بر این اساس هر آنچه که در يك گروه بعنوان يك مقیاس ارزشی گروهی «جایبفتد» بر روی قضاوت و ارزشیابی تك تك افراد تأثیر می‌گذارد. اما این تأثیر گروه مرجع شناخت جدید نیست که ساپ و هارود بخواهند يك تئوری جدید در مورد گرایش ارائه دهند. در این تردید نیست که هر گروه اجتماعی که انسان به آن تعلق دارد و آنرا بعنوان گروه مرجع مثبت می‌پذیرد، يك سیستم از مقیاسهای ارزشی تولید می‌کند که اعضاء گروه بدلائل مختلف از جمله فشار هنجاری و همشکلی خود را موظف به پذیرش و پیروی از آن می‌دانند. البته پیروی از این مقیاسها بستگی به میزان همبستگی و انسجام گروهی دارد و هر چه که این مقیاسها مشخص تر باشند و تعدادی بیشتری از اعضاء گروه آن مقیاسها را پذیرفته و از آنها پیروی کنند همشکلی و لذا فشار هنجاری بیشتر خواهد بود. (همان: ۷۲:۱۲)

تصویر ۳- همشکلی قوی و ضعیف در دو گروه



چنانکه اشاره شد مطرح کردن گروه مرجع و تأثیر آن در ارزیابی و قضاوت‌های (گرایش) فردی چیز جدیدی نیست و حتی آقایان فیش‌باین و آیزن نیز با متغیر «هنجارهای ذهنی» همان تأثیر گروه مرجع را در مدنظر داشته و اصطلاح مشهور «دیگران مهم» در این زمینه جا افتاده است. سؤال اساسی در اینجا آن است که ساپ و هارود چگونه می‌خواهند این تأثیر را بسنجند و ثانیاً فرق این متغیر با

۳- جان راولز

راولز (۱۹۷۲) یکی از صاحب نظران سیاسی است که به تعبیر پتریک، در ایام بعد کوشش کرد تا بی آنکه رفاه اجتماعی را به کار آبی-پارتویی کاهش دهد، آن را تعریف کند. راولز مقوله رفاه را از معیار کار آبی دور کرده و به حوزه‌های عدالت و اخلاق بازمی گرداند، هر چند او نیز توصیف بهره‌مندانه از عدالت و اخلاق را محدود می‌شمارد. برای راولز، جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری از جامعه دارد که توزیع منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود. و توزیع عادلانه به این معناست که برای محرومترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب، رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابریهای غیر عادلانه است، نه حذف صرف برابری. استدلال راولز از نظر سیاستهای اجتماعی باز توزیعی دلالت‌هایی با اهمیت دارد. (پتریک: ۱۳۸۱: ۳۵) در این قسمت به بررسی مطالعات انجام شده و نقد آنها پرداخته می‌شود. نا از این طریق چارچوب نظری تحقیق مدون شود.

۶- چارچوب نظری تحقیق

الف- تعیین متغیرهای اصلی و ارائه مدل فرضی پژوهش
باتوجه به نتایج بررسی و مطالعه نوشته‌ها و ادبیات موجود و استفاده از دیدگاههای نظری صاحب نظران با تأکید بر نظریه کنش اجتماعی پارسونز، دیدگاههای رفاه اجتماعی و نیازهای مزلو و همچنین با استفاده از نظریه ارزشهای اینگلهارت و مورد توجه قرار دادن تأثیرات فردی و تأثیرات اجتماعی و عدم تفکیک قائل شدن بین دو موضوع مهم فوق، به تلویح چارچوب نظری و طرح فرضیه‌ها اقدام شده است.
به همان شکل که سیستم‌های اجتماعی از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تشکیل شده است، نظام ارزشهای اجتماعی یک فرد نیز دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری، مذهبی و علمی می‌باشد.
با این فرض که در هر نوع از نظام ارزشهای اجتماعی افراد، یکی از مؤلفه‌های فوق حضور بارز و پررنگ تری دارد. و قابلیت شکل گرفتن در یک سلسله مراتب را دارا می‌باشد.
این نوع از سلسله مراتب نظام ارزشی و ارزشهای اجتماعی پدید آمده از نوع شخصیت، وضعیت و شرایط اجتماعی کنشگر تأثیر پذیرفته و معلول و پدید آمده متغیرهای گوناگونی چون سن، جنس، تحصیلات، درآمد،

و سطح متراکم رفاه اجتماعی را اندازه بگیریم. (پتریک: ۱۳۸۱: ۲۲) برای بنتام، این روش دارای سه امتیاز بود.

اول، خود را به میزان یا معیاری مجهز می‌کنیم که قادرمان می‌سازد وضعیت و امور مختلف اجتماعی را ارزیابی کنیم و پیامدهای بازار را با نظامی قانونی از سیاستهای اجتماعی و عمومی جبران کنیم. دوم، می‌توانیم، بر این مبنا، در این باره که چه سیاستهایی مؤثرترین است، تصمیمات عادلانه و آگاهانه بگیریم. و نهایتاً، می‌توانیم جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم تا دریابیم که کدام یک موجب حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم است. برای بنتام، رفاه اجتماعی = بهره‌مندی اجتماعی = حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم بود. نفوذ او تا آخر قرن نوزدهم ادامه داشت و به رشته‌ای از اصلاحات ناظر بر حفظ سطح درآمد، وضعیت محیط کار، و شرایط اقدامات اجتماعی انجامید. (پتریک: ۱۳۸۱: ۲۲)

در نقد دیدگاه بنتام، گفته می‌شود که او بهزیستی را به بهره‌مندی و بهره‌مندی را به مفهومی سطحی از خوشبختی کاهش می‌دهد.

۲- ویلفرد پار تو

استدلالی که پار تو (۱۸۴۸-۱۹۲۳) بیان می‌نماید این است که امکان مقایسه بین افراد وجود ندارد اما در عین حال، «بر این عقیده بود که ما می‌توانیم در باب وضعیت رفاه اجتماعی و اشتراکی به شکلی با معنا و سودمند صحبت کنیم. گفته بار تو (آرون، ۱۹۷۰)، جامعه‌ای که قادر باشد دست کم وضع زندگی یکی از آحاد خود را بهتر سازد، مشروط بر آنکه وضع هیچ کس را بر اثر این کار بدتر نکند، می‌تواند به عنوان جامعه‌ای که در جریان بهبود شرایط رفاهی خویش است توصیف شود. با این حال، زمانی می‌آید که این جامعه می‌تواند فقط با بدتر کردن وضعیت شماری از آحاد خود شرایط شماری دیگر را بهتر کند. در این حالت، جامعه مورد بحث به مرحله «کار آبی مطلوب» خویش رسیده است. و ایجاد هر گونه تغییر بیشتر دیگر توجیهی ندارد.» (پتریک: ۱۳۸۱: ۳۴)

از نظر پتریک مشکل تعریف کردن رفاه اجتماعی در قالب کار آبی-پارتویی این است که خود به خود ناچار به موضعگیری، به نفع وضع موجود می‌شویم.

در مرحله بعد تحت تأثیر نظام ارزشهای اجتماعی، در کنشگر بر اساس متغیرهای مهمی چون نیازها، ترجیحات، علائق، آرزوها، تمایلات و هنجارهای ذهنی (پذیرش اجتماعی) نسبت به مقوله رفاه اجتماعی ایجاد گرایش می شود و چنانچه این تمایل را در سطح پایین تری مورد بررسی قرار دهیم بر اساس سه عنصر شناختی، عنصر احساسی و عنصر تمایل به عمل نسبت به مقوله رفاه اجتماعی سطحی از نگرش پدید می آید. که با توجه به مشابهت و نزدیکی گرایش و نگرش در یک پیوستار قابل اندازه گیری و سطح بندی است.

لازم به ذکر است که در این مطالعه با قدری تسامح مفهوم گرایش و نگرش به یک معنی انگاشته شده است.

بر اساس مدل فرضی پژوهش، متغیرهایی در سطح کلان و خرد، مورد توجه قرار گرفته اند.

اصلی ترین متغیر یا متغیر وابسته در این مطالعه دو متغیر «نظام ارزشهای اجتماعی» و «گرایش به رفاه اجتماعی» است که رابطه این دو با یکدیگر و همچنین مجموعه ای از متغیرهای بهم پیوسته در سطوح خرد و کلان بشرح زیر مورد توجه قرار می گیرد:

۷- متغیرهای مستقل در سطح خرد

- ۱- پایگاه اجتماعی و مشخصات اجتماعی: پایگاه اجتماعی فرد، پایگاه اجتماعی پدر، بعد خانوار
 - ۲- مشخصات اقتصادی: نوع شغل، میزان درآمد و موقعیت شغلی فرد، نوع شغل پدر (رئیس خانوار)
 - ۳- مشخصات فرهنگی: میزان تحصیلات فرد، میزان تحصیلات پدر، نحوه گذراندن اوقات فراغت
 - ۴- مشخصات محیطی: محل تولد فرد، محل تولد پدر، محل سکونت فرد، محل سکونت پدر
- متغیرهای مستقل اصلی گرایش به رفاه اجتماعی در سطح خرد

۱. تلقی فرد از سطح برخورداری از رفاه اجتماعی
۲. نیازها و خواستهها
۳. ترجیحات مسأله ای
۴. علائق
۵. آرزوها و تمایلات
۶. تمایلات
۷. هنجارهای ذهنی (پذیرش از طریق دیگران مهم مثل

خانواده، دوستان و سایرین)

۸. دغدغهها و نگرانیها

لازم به ذکر است تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم فوق به تفصیل ارائه خواهد شد.

۸- پرسشهای اساسی تحقیق

پرسشهای اصلی در این مطالعه این است که:

۱-۱۴ بین اولویتهای ارزشی یا ارزشهای جامعه مورد مطالعه با نحوه گرایش آنها به رفاه اجتماعی چه رابطه ای وجود دارد؟

۲-۱۴ بین ویژگیهای فردی، زیستی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نحوه گرایش به رفاه اجتماعی چه رابطه ای وجود دارد؟

۳-۱۴ گرایش به رفاه اجتماعی با توجه به تحول ارزشی چه تغییری یافته است.

۹- فرضیههای تحقیق

فرضیههای تحقیق در شکل ترکیبیشان به صورت زیر می باشند.

۱- احتمالاً بین اجزای نظام ارزشهای اجتماعی افراد مورد بررسی و پایگاه اجتماعی، و نوع و مشخصات روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی خانوادههای آنها رابطه وجود دارد.

۲- احتمالاً بین گرایش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی و پایگاه اجتماعی، نوع و مشخصات روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی خانوادههای آنها رابطه وجود دارد.

۳- احتمالاً بین اجزای نظام ارزشهای اجتماعی با میزان گرایش به رفاه اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیههای تفکیک شده به تفصیل در ادامه بحث خواهد آمد.

۱۰- تعیین جامعه آماری، روش نمونه گیری

حجم نمونه، روش تحقیق، تکنیکهای

گردآوری و تجزیه و تحلیل دادهها

در این پژوهش جامعه آماری شامل کل جوانان تهرانی ۱۵ تا ۳۰ سال در سطح مناطق شهر تهران می باشد.

بر آورد طبیعی و معرف قابل ارزیابی است.

$$n = \frac{N.t'.p.q}{N.d'+t'.p.q}$$

$$n = \frac{72320 \cdot (1/96)^2 \cdot (0/5 \cdot X \cdot 0/5)}{72320 \cdot (0/048)^2 + (1/96)^2 \cdot (0/5 \cdot X \cdot 0/5)} = 318$$

در این مرحله حجم نمونه بدست آمده برابر با ۳۱۸ نفر گردید که به علت ناقص بودن برخی از پرسشنامه‌ها به ۳۰۰ نفر در سطح سه منطقه تقلیل یافت.

۱۱- روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق پیمایشی و تکنیک گردآوری داده‌های مورد نیاز پرسشنامه است. پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است:

بخش اول شامل سئوالاتی است که مشخصات فردی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی و سایر اطلاعات در آن طرح شده است.

بخش دوم مربوط به مقیاسهایی است که معروف به مقیاس «مطالعه ارزشهای آلپورت» می‌باشد و بعد از استانداردسازی لازم از طریق «مصاحبه همراه با پرسشنامه» با پاسخگویان تکمیل خواهد شد. بخش سوم پرسشنامه «مقیاس خودساخته محقق» درباره میزان گرایش به رفاه اجتماعی است که بر اساس تعریف عملی متغیرها پرسش‌های مربوطه طراحی شده‌اند با استفاده از فنون آماری موجود در بسته نرم‌افزاری spss داده‌های جمع‌آوری شده مورد توصیف و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند.

بر این اساس در تحلیل داده‌ها از جداول توزیع فراوانی برای توصیف داده‌ها و از آزمون‌های آماری پارامتری و ناپارامتری و نیز رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر برای تحلیل‌های چند متغیره استفاده شده است.

۱۲- میزان پایانی مقیاس‌ها

در این مطالعه از روش آلفای کرونباخ که یکی از معمول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری سنجش روایی مقیاس‌ها می‌باشد و به خوبی سازگاری درونی گویه‌های يك مقیاس را نشان می‌دهد استفاده گردید. در مرحله اول با انجام آزمون مقدماتی ۳۰ پرسشنامه تکمیل گردید و سپس با برآورد

با توجه به وسيع بودن قلمرو تحقیق و تعداد زیاد جمعیت منطقه‌های بیست‌گانه و همچنین مدنظر قرار دادن محدودیت امکانات در مطالعات دانشجویی بر اساس ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی از طریق انجام نمونه‌گیری تعداد متناسب با جامعه آماری برای انجام مطالعه مشخص گردید.

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر شیوه «نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای» است. مراحل آن که طی آن حجم نمونه مشخص شده است شامل مراحل زیر است.

در ابتدا مناطق شمالی، جنوبی و مرکزی تهران مشخص گردید و سپس به روش تصادفی از مناطق ۱ و ۳ منطقه ۱، از منطقه ۱۰ و ۱۱ منطقه ۳ و از مناطق ۱۷ و ۱۹ منطقه ۱۹ شهرداری انتخاب گردید.

انتخاب دو منطقه در شمال و جنوب برای در نظر گرفتن دو قطب جغرافیایی و اجتماعی مدنظر بوده است. و منطقه مرکزی نیز برای پوشش منطقه متوسط نشین مدنظر قرار داشته است.

در مرحله بعد در هر منطقه بلوکهای مرکز آمار ایران به عنوان خوشه یا واحد نمونه‌گیری معین شده و بعد از انجام فهرست‌برداری به روش تصادفی خانواده‌های مورد نظر انتخاب شده‌اند.

بدین ترتیب حجم نمونه از بین اعضای ۱۵ تا ۳۰ ساله خانوارهای شهروندان تهرانی معین شده‌اند.

منطقه ۱ و ۱۱ و ۱۹ → مناطق بیست‌گانه تهران

فرد → خانوار → بلوکهای آماری →

تعداد دقیق حجم نمونه از طریق محاسبه جمعیت جوانان مناطق ۱، ۱۱ و ۱۹ و با استفاده از فرمول منطقی کوکران^۲ انتخاب گردید.

$$n = \frac{N.t'.p.q}{N.d'+t'.p.q}$$

اطلاعات لازم برای تعیین حجم نمونه تحقیق شامل موارد زیر می‌باشد.

$N=72320$ تعداد جمعیت جوانان در سن ۱۵-۳۰ سال

ساکن در مناطق ۱، ۱۱ و ۱۹

$d=0/048$ دقت احتمالی مطلوب

$t=1/96$ ضریب اطمینان ۹۵٪

$p=0/5$ نسبتی از جمعیت که حائز صفت معین است.

$q=0/5$ نسبتی از جمعیت که حائز صفت معین نیست.

با قرار دادن اطلاعات مربوطه در فرمول برآورد حجم نمونه کوکران نمونه ۳۰۰ نفری از جامعه آمار به عنوان يك

اولویت‌های ارزشی توصیف‌ها نشان می‌دهد که در منطقه ۱۹ سومین اولویت ارزشی، گرایش به ارزشهای مذهبی است. در منطقه ۱ اولویت سوم ارزشهای هنری و اولویت چهارم ارزشهای نظری است. اما در منطقه ۱۱ اولویت سوم ارزشهای نظری و بعد ارزشهای هنری است و در واقع مشخص‌ترین تفاوت این دو منطقه یعنی منطقه ۱ و منطقه ۱۱ تهران جابجایی اولویتهای سوم و چهارم گرایش‌های ارزشی آنهاست.

در منطقه ۱۹ با توجه به جایگزینی گرایش به ارزشهای به مذهبی در رده سوم ارزشهای نظری و هنری با یک پله نزول به ردیف چهارم و پنجم رفته‌اند.

بررسی نظام ارزشهای افراد مورد بررسی بر اساس نمرات میانگین بدست آمده در سطح سه منطقه از صدرنشینی ارزشهای اقتصادی و ارزشهای اجتماعی خبر می‌دهد. اولویتهای سوم و چهارم را ارزشهای نظری و هنری شکل داده‌اند و ارزشهای مذهبی و ارزشهای سیاسی نیز در ردیف اولویتهای پنجم و ششم قرار گرفته‌اند.

توصیف‌های بدست آمده از میانگین نمرات ارزشی در سطح کل حجم نمونه حاکی از آن است که سلسله مراتب ارزشی بدست آمده در سطح سه منطقه از یک طرف، با یک مورد اختلاف با منطقه ۱ همخوانی دارد و از سوی دیگر منطبق با اولویتهای ارزشی منطقه ۱۱ می‌باشد. در عین حال با منطقه ۱۹ در سه مورد دارای اختلاف در اولویتهای ارزشی است. اما جمع‌بندی اولیه نشان از آن دارد که برای افراد مورد بررسی ارزشهای اقتصادی دارای بیشترین اهمیت بوده و ارزشهای سیاسی دارای کمترین اهمیت است. پایین رفتن ارزشهای مذهبی به رتبه پنجم نظام ارزشی در بین جوانان ۱۵ تا ۳۰ نیز نکته‌ای درخور توجه به حساب می‌آید.

در این قسمت ارزشهای بدست آمده شش گانه افراد مورد بررسی، در جداول ششگانه در سه رتبه گرایش ارزش‌یابین، متوسط و بالا مورد سطح‌بندی قرار گرفت که طی آن عملیات آماری و آزمون فرضیات انجام شود.

جداول بعدی توزیع فراوانی افراد مورد بررسی را برحسب سطوح گرایش به ارزشهای شش گانه بدست داده است. بررسی ظاهری درصدهای بدست آمده نیز نشان می‌دهد که واریانس‌های بدست آمده با منطقه سکونت افراد به طور تقریبی دارای هماهنگی و توزیع نرمال است.

ضریب پایانی، برخی از سئوالات حذف شد. براین اساس ضریب پایانی مقیاس نگرش به رفاه اجتماعی ۰/۷ می‌باشد که این میزان از آلفا نشان دهنده روایی مطلوب گویه‌ها در تشکیل مقیاس مذکور می‌باشد.

در مورد پایایی طیف آلپورت با توجه به این که این طیف یک طیف استاندارد می‌باشد تنها به تغییر برخی از واژه‌ها و متناسب کردن آن با محیط اجتماعی و بومی کردن آن بسنده گردید.

۱۳- توصیف و تحلیل یافته‌های تحقیق

۱- نظام ارزشهای افراد مورد بررسی

جداول ۱ تا ۱۰ در این قسمت بیانگر اولویتهای ارزشی افراد مورد بررسی است. چنانکه در روش شناسی این تحقیق اشاره شد برای بدست آوردن گرایش‌های ارزشی افراد از طیف مشهور آلپورت استفاده شده است و نمرات بدست آمده یکبار در سطح مناطق ۱، ۱۱ و ۱۹ تنظیم شده و در نهایت یکبار نیز برای کل حجم نمونه در سطح سه منطقه بدست آمده است.

براین اساس توصیف جداول نشان می‌دهد که سلسله مراتب ارزشهای افراد پاسخگو در منطقه ۱ تهران به ترتیب شامل ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، هنری، نظری، مذهبی و سیاسی است. همین سلسله مراتب ارزشی در منطقه متوسط نشین ۱۱ در جدول (۵.۲) شامل ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، نظری، هنری، مذهبی و سیاسی است. در منطقه ۱۹ تهران به عنوان نماینده قطب جغرافیایی جنوب شهر، یافته‌ها حاکی از آن است که اولویتهای ارزشی به ترتیب شامل ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، نظری، هنری و سیاسی است. یک نگاه کلی در اشتراکات و افتراقات اولویتهای ارزشی نشان می‌دهد که در سه منطقه ۱ و ۱۱ و ۱۹ اولویتهای اول و دوم، ارزشهای اقتصادی و اجتماعی است. در واقع افراد مورد بررسی در این سه منطقه سکونت، این دو ارزش را در صدر نظام ارزشهای خود نشانده‌اند. و در مورد آنها دارای وفاق می‌باشند.

به همین سان در قعر جدول نظام ارزشها، اشتراك دیگری در سه منطقه به چشم می‌خورد که ارزشهای سیاسی است. در کنار این اشتراکات سه گانه، نقطه اشتراك دو گانه‌ای بین مناطق ۱ و ۱۱ نیز دیده می‌شود، به طوری که اولویت پنجم در منطقه ۱ و ۱۱ ارزشهای مذهبی است. در مورد افتراقات

جدول (۴) نمرات میانگین اولویت‌های ارزشی افراد مورد بررسی در سه منطقه ۱۱، ۱۱، ۱۱ تهران

نمره بدست آمده	اولویت‌های ارزشی
۴۳/۵	۱) ارزشهای اقتصادی
۴۲/۲	۲) ارزشهای اجتماعی
۳۹/۵	۳) ارزشهای نظری
۳۹	۴) ارزشهای هنری
۳۸/۵	۵) ارزشهای مذهبی
۳۷/۵	۶) ارزشهای سیاسی
۲۴۰	جمع نمرات

جدول (۱) میانگین اولویت‌های ارزشی افراد مورد بررسی در منطقه ۱

نمره بدست آمده	اولویت‌های ارزشی
۴۳/۷	۱) ارزشهای اقتصادی
۴۲/۵	۲) ارزشهای اجتماعی
۴۰/۱	۳) ارزشهای هنری
۳۹/۶	۴) ارزشهای نظری
۳۷/۲	۵) ارزشهای مذهبی
۳۶/۸	۶) ارزشهای سیاسی
۲۴۰	جمع نمرات

۲- نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی

برای ساخت شاخص نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی، نخست دامنه نمرات بدست آمده از پرسشنامه محاسبه گردید. به طوری که از حداقل تا حداکثر نمرات (۶۹ تا ۱۱۶) در سه سطح نگرش به رفاه اجتماعی پایین، نگرش به رفاه اجتماعی متوسط و نگرش به رفاه اجتماعی بالا دسته‌بندی گردید.

نکته قابل توجه از نمرات بدست آمده که می‌تواند به عنوان یک یافته تلقی شود این است حداقل نمرات بدست آمده (۶۹)، ۵۹٪ از کل نمونه شاخص نگرش به رفاه اجتماعی را در بر می‌گیرد و این نکته نشان می‌دهد که نگرش به رفاه اجتماعی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده در ذهن جوانان مورد توجه و اهتمام جدی است که در بخش تحلیل و تبیین بیشتر به آن پرداخته می‌شود. بر این اساس در جدول (۱-۶) توزیع فراوانی سطوح نگرش به رفاه اجتماعی ارائه شده است.

جدول (۵) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر حسب سطح نگرش به رفاه اجتماعی

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	نگرش به رفاه اجتماعی
۳۵/۳	۱۰۶	۳۵/۳	پایین
۶۶	۹۲	۳۰/۷	متوسط
۱۰۰	۱۰۲	۳۴	بالا
-	۳۰۰	۱۰۰	جمع

جدول (۲) میانگین اولویت‌های ارزشی افراد مورد بررسی در منطقه ۱۱

نمره بدست آمده	اولویت‌های ارزشی
۴۴/۲	۱) ارزشهای اقتصادی
۴۱/۸	۲) ارزشهای اجتماعی
۳۹/۶	۳) ارزشهای نظری
۳۹/۶	۴) ارزشهای هنری
۳۷/۹	۵) ارزشهای مذهبی
۳۷	۶) ارزشهای سیاسی
۲۴۰	جمع نمرات

جدول (۳) میانگین اولویت‌های ارزشی افراد مورد بررسی در منطقه ۱۹

نمره بدست آمده	اولویت‌های ارزشی
۴۲/۹	۱) ارزشهای اقتصادی
۴۲/۶	۲) ارزشهای اجتماعی
۴۰/۷	۳) ارزشهای مذهبی
۳۹/۲	۴) ارزشهای نظری
۳۷/۶	۵) ارزشهای هنری
۳۶/۷	۶) ارزشهای سیاسی
۲۴۰	جمع نمرات

چنانکه از جدول برمی آید $35/3$ درصد از حجم نمونه دارای سطح پایین نگرش به رفاه اجتماعی، $30/7$ درصد متوسط و 34 درصد دارای سطح بالای نگرش به رفاه اجتماعی هستند. که این توزیع فراوانی نیز حالت نرمال را نشان می دهد.

پس از توصیف یافته های بدست آمده از این مطالعه در فصل بعد به تحلیل و تبیین داده ها و آزمون فرضیه ها و بررسی روابط بین متغیرها پرداخته می پردازیم.

۳- تحلیل داده ها و آزمون فرضیات درباره گرایش های ارزشی افراد مورد بررسی

جداول ۱ تا ۲۵ در این قسمت به تحلیل داده ها و آزمون فرضیات مطرحه در تحقیق اختصاص یافته و در آن رابطه گرایش های ارزش های شش گانه افراد پاسخگو، با متغیرهای این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته و بدین ترتیب معنی داری، عدم رابطه و رابطه و جهت آن مشخص شده است. برای پایه ملاحظه می شود که بین گرایش به ارزشهای نظری، اقتصادی، هنری و اجتماعی افراد مورد بررسی با متغیر مهم تحصیلات سرپرست خانوار رابطه معکوس وجود دارد به طوری که هر چه بر میزان تحصیلات سرپرست خانوار افراد مورد بررسی افزوده می شود، از میزان گرایش به ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، هنری و نظری کاسته می گردد.

در مورد گرایش به ارزشهای سیاسی و مذهبی با میزان تحصیلات سرپرست خانواده رابطه معنی داری بدست نیامد. و آن گونه از ظاهر روابط برمی آید با افزایش تحصیلات سرپرست خانواده، ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، علمی (نظری) و هنری در جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال کم رنگ می شود.

جداول ۵ تا ۱۰ از رابطه معنی دار بین گرایش های ارزشی ششگانه با متغیر مهم در آمد سرپرست خانواده خبر می دهد. به طوری که رابطه معنی دار بدست آمده حاکی از آن است که با بالا رفتن میزان در آمد سرپرست خانواده از گرایش به ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، نظری (علمی)، هنری، سیاسی و مذهبی کاسته می شود.

در چارچوب این مطالعه و با توجه به دیدگاه اینگلههارت انتظار بر این است که با افزایش در آمد سرپرست خانواده و بالا رفتن سطح رفاه خانوادگی، گرایش به ارزشهای اقتصادی کاهش یافته و جای خود را به ارزش های فرامادی دهد. به طوری که به ارزشهای اجتماعی، هنری و مذهبی و نظری

توجه بیشتری شود. اما این مطالعه نشان می دهد که در جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال، با بالا رفتن میزان در آمد سرپرست خانواده از گرایش آنها به مقوله کلی ارزش ها کاسته می شود.

از دیگر متغیرهای مهمی که در این مطالعه با گرایش به ارزشهای ششگانه رابطه بسیار معنی داری برقرار نموده است، متغیر منطقه سکونت می باشد. به طوری که در این مطالعه نشان داده شد که بین گرایش های ارزشی ششگانه با منطقه سکونت جوانان مورد بررسی رابطه وجود دارد. بر این اساس گرایش به ارزشهای نظری (علمی) در مناطق پایین بیشتر است و از میزان آن در منطقه ۱ به نحو قابل ملاحظه ای کاسته می شود. گرایش به ارزشهای اقتصادی با شیب اجتماعی مناطق دارای هماهنگی و همخوانی است. یعنی بتدریج از منطقه ۱، تا منطقه ۱۹ بر آن افزوده می شود. این ویژگی در مورد ارزشهای هنری نیز تأیید شده و گرایش به ارزشهای هنری از منطقه ۱ به طرف منطقه ۱۹ افزایش می یابد.

در مورد گرایش به ارزشهای اجتماعی که مواردی چون نوع دوستی و مشارکت در امور عام المنفعه مصداق آن می باشد، مشاهده می شود که این گرایش از منطقه ۱ تا ۱۹ فزونی می یابد. و در منطقه متوسط نشین ۱۱ سطح متوسط ارزشهای اجتماعی دارای بالاترین فراوانی بوده و در نهایت در منطقه ۱۹ به این دسته از ارزشها در سطح بالا و درصد ۷۷٪ دیده می شود.

در مورد ارزشهای سیاسی و ارزشهای مذهبی نیز یافته ها نشان از آن دارد که منطقه سکونت جوانان مورد بررسی دارای نقش و عامل تعیین کننده ای است. بر این اساس بر میزان گرایش به ارزشهای سیاسی و مذهبی از منطقه ۱ به طرف منطقه ۱۹ افزوده می شود. به طوری که گرایش به ارزشهای مذهبی در سطح بالا در منطقه ۱۹ به ۸۰ درصد می رسد، حال این که همین گرایش در منطقه ۱، ۳ درصد در سطح بالا قرار دارد.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال در این مطالعه، اصلی ترین متغیر زیربنایی به شمار می رود که یافته ها نشان می دهد، ارزش های ششگانه با آن دارای رابطه معنی دار و جهت دار می باشند.

رابطه ها حاکی از آن است که با بالا رفتن پایگاه اجتماعی- اقتصادی که ترکیبی از جایگاه شغلی، سطح در آمد و سطح تحصیلات سرپرست خانواده های افراد مورد بررسی به شمار می رود، گرایش به ارزشهای نظری (علمی)، اقتصادی،

مذهبی کاسته می‌شود.

لازم بذکر است بین گرایش‌های ارزشی ششگانه با متغیر شغل سرپرست خانوار رابطه معنی‌داری بدست نیامد.

۴- تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات درباره نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی

در جداول ۱ تا ۸ این قسمت به بررسی رابطه نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی به عنوان متغیر تابع با متغیرهای مستقل مطرح شده و آزمون فرضیات پرداخته شده و رابطه، یا عدم رابطه و سطح معنی‌داری و جهت روابط نیز مشخص گردیده است. بر این پایه ملاحظه می‌شود که بین نگرش به رفاه اجتماعی و جنسیت افراد مورد بررسی رابطه معنی‌دار وجود دارد. رابطه برقرار شده نشان می‌دهد که مردان دارای نگرش بالاتری نسبت به رفاه اجتماعی هستند و عمده نگرش زنان در سطوح پایین و متوسط متمرکز است. این نکته نظر سوارتر را تأیید می‌کند که مردان نسبت به زنان بیشتر دارای ارزشهای ایزاری هستند. متغیر مهم منطقه سکونت افراد مورد بررسی، یا نگرش به رفاه اجتماعی دارای رابطه است. با توجه به شیب جغرافیایی منطقه سکونت از ۱ تا ۱۹، با بالا رفتن سطح نگرش به رفاه اجتماعی جوانان تطابق دارد. این نکته مؤید آن است که در ظاهر، مناطقی که از سطح رفاه بالاتری برخوردارند، از نگرش آنها به همین نسبت، به رفاه اجتماعی کاسته شده و برعکس در مناطقی که از سطح رفاه پایین تری برخوردارند، نسبت به رفاه اجتماعی نگرش بالاتری وجود دارد.

در مورد نقش رسانه‌های جمعی تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات گویای این نکته است که هیچ رابطه معنی‌داری بین نگرش به رفاه اجتماعی با تلویزیون، خواندن مجله، خواندن روزنامه و تماشای ماهواره برقرار نشده است و در کنار این موضوع بین نگرش به رفاه اجتماعی با میزان استفاده از رادیو و ویدئو کلپ رابطه معنی‌دار برقرار گردیده است. به گونه‌ای که با بالا رفتن میزان استفاده از رادیو و ویدئو کلپ بر میزان نگرش به رفاه اجتماعی افزوده می‌گردد. تحقیقات پیشین، بویژه تحقیق دکتر رفیع‌پور با عنوان «ویدئو و تغییرات ارزشی» نشان داده است که چگونه مؤسسات فرهنگی که فیلمهای مطرح دهه هفتاد، از جمله فیلم عروس به کارگردانی بهروز افخمی را در اختیار جامعه قرار می‌دهند؛ باعث اوج گرفتن ارزشهای اقتصادی شده‌اند. در

اجتماعی، هنری، سیاسی و مذهبی افراد مورد بررسی رو به افول می‌گذارد. البته ذکر این نکته نیز مهم است که فقط در سطح پایین و بالای پایگاه اجتماعی-اقتصادی این کاهش گرایش دیده می‌شود. به این معنی که جوانانی که دارای سطح متوسط پایگاه اجتماعی و اقتصادی هستند، همخوانی قابل ملاحظه‌ای نیز با گرایش‌های ارزشی خود در سطح متوسط دارند. و این نکته در واقع یک نقطه تعادل به‌شمار می‌رود. در واقع بیشترین هماهنگی و همخوانی در بین گرایش‌های ارزشی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در سطح متوسط دیده می‌شود. به عنوان مثال پایگاه اجتماعی افرادی که دارای سطح متوسط هستند. ۳۲ درصد و گرایش به ارزشهای نظری سطح متوسط نیز ۳۶ درصد می‌باشد. این نکته برای سایر ارزش‌ها و رابطه آن با پایگاه اجتماعی اقتصادی قابل تعمیم است.

به همین ترتیب نتیجه دیگری که از این هماهنگی فراهم می‌شود این است که در محیطی که متوسطی از شرایط زندگی فراهم شود می‌توان امیدوار بود که این متوسط در سایر وجوه اجتماعی زندگی مثل گرایش به ارزشها تعادل لازم را ایجاد کند. اما در شرایطی که این متوسطها افزایش یابد و یا برعکس کاهش یابد می‌توان این انتظار طبیعی را داشت که ارزشها نیز دچار فراز و فرود شوند.

متغیر دیگری که تأثیر آن مورد بررسی قرار گرفت رابطه بین گرایش‌های ارزشی و داشتن فرزند است. بررسی و آزمون فرضیه‌ها نشان از آن دارد که بین گرایش ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، هنری، نظری و سیاسی رابطه معنی‌داری با داشتن و نداشتن فرزند وجود ندارد. و صرفاً تنها رابطه معنی‌دار بین ارزشهای مذهبی و داشتن فرزند برقرار است. به این معنا که داشتن فرزند موجب افزایش گرایش افراد به ارزشهای مذهبی است. این رابطه معنی‌دار حکایت از آن دارد که جوانان با تن دادن به امر مقدس ازدواج و تشکیل نهاد مقدس خانواده و داشتن فرزند می‌توانند در جهت تحکیم ارزشهای مذهبی خود و افزایش این گرایش گام مثبت بردارند.

بین ارزشهای ششگانه و میزان تحصیلات جوانان مورد بررسی نیز آزمون فرضیات انجام شد. به طوری که بین ارزشهای اقتصادی، نظری (علمی)، اجتماعی، هنری و سیاسی رابطه معنی‌داری برقرار نشد، تنها رابطه برقرار شده با گرایش به ارزشهای مذهبی است بطوری که با بالا رفتن میزان تحصیلات افراد مورد بررسی از گرایش آنها به ارزشهای

نهایت در بحث رسانه‌های جمعی به اینترنت توجه می‌کنیم. در این بررسی مشخص شده است که با بالا رفتن میزان استفاده از اینترنت، نگرش به رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد، به نظر می‌رسد کاربران اینترنت با فرار گرفتن در یک محیط مجازی به موجی از انتظارات خود می‌رسند و اشتغال به استفاده از این رسانه، سایر ارزشهای فرامادی را در آنها بوجود می‌آورد. یکی از متغیرهای تأثیرگذار در نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی، سفر به خارج است که تفاوت معنی‌داری بین نگرش به رفاه اجتماعی افراد سفر کرده و افراد سفر نکرده وجود دارد. رابطه برقرار شده مؤید آن است که بین نگرش به رفاه اجتماعی با افرادی که سفر به خارج داشته‌اند رابطه وجود دارد. به طوری که افراد دارای سفر به خارج از میزان بالاتری، نسبت به نگرش به رفاه اجتماعی برخوردارند. این متغیر تأثیر دایره روابط اجتماعی را نیز مشخص می‌کند.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که عامل سفر به خارج، مروج رفاه اجتماعی در بُعد ذهنی آن می‌باشد. این بررسی نشان می‌دهد که بین میزان نگرش به رفاه اجتماعی با متغیر بسیار مهم پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معنی‌دار برقرار است. به طوری که با بالا رفتن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی از نگرش به رفاه اجتماعی کاسته می‌شود و این نکته نیز مؤید فرض کلی تحقیق و در واقع پاسخ به سؤال اصلی آن است که با بالا رفتن سطح اقتصادی خانواده از نگرش بالای آنها نسبت به رفاه اجتماعی کاسته می‌شود.

در مجموع بین متغیر تابع «نگرش به رفاه اجتماعی» با متغیرهای مستقلی چون تحصیلات سرپرست خانواده، درآمد سرپرست خانواده، سن، تحصیلات فرد، تعداد اعضای خانواده، تعداد فرزندان و شغل سرپرست خانواده، تأهل یا مجرد رابطه‌ای برقرار نشده است. این نکته همانگونه که در قبل نیز اشاره شد مؤید آن است فارغ از متغیرهای ذکر شده همواره سطحی از نگرش به رفاه اجتماعی در بین جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال به عنوان یک واقعیت عینی و اجتماعی وجود دارد.

هرگر سیون چند متغیره نگرش به رفاه اجتماعی و گویه‌های تشکیل دهنده آن

رابطه برقرار شده در بین گویه‌های اصلی در شکل دهی

مقیاس «نگرش به رفاه اجتماعی» نکته‌ای است که دارای پیچیدگی بوده و به همین لحاظ درک و تبیین آن نیازمند بکارگیری روشهای آماری مناسب است.

به همین سان برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی گویه‌ها و متغیرهای تشکیل دهنده مقیاس «نگرش به رفاه اجتماعی» و نشان دادن شدت متغیرها، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. هدف اصلی این نوع تحلیل، مشخص نمودن سهم و تأثیر گویه‌های عمده در تبیین نوع نگرش به رفاه اجتماعی است.

برای انجام این مهم ابتدا گویه‌های تشکیل دهنده مقیاس نگرش به رفاه اجتماعی به شرح زیر تنظیم گردید. ذکر این نکته ضروری است که مفاهیم نظری و عملیاتی گویه‌های زیر در بخش روش‌شناسی ذکر شده است.

۱- آرمانها

۲- علایق

۳- نیازها و خواسته‌ها

۴- تأثیر خانواده

۵- تأثیر دوستان

۶- تأثیر دیگران مهم

۷- ترجیحات مسأله‌ای

۸- نگرانی‌ها و دغدغه‌ها

سیس با استفاده از رگرسیون چند متغیره رابطه میان آنها محاسبه شد. جدول زیر، به ترتیب اولویت تأثیرگذاری عوامل ذکر شده، در مقیاس نگرش به رفاه اجتماعی را با ذکر ضریب Beta که معرف این میزان است، بیان می‌کند.

عنوان متغیر	ضریب بتا Beta
۱) نگرانی‌ها و دغدغه‌ها برای آینده	۰/۵۰
۲) علایق	۰/۲۹
۳) ترجیحات مسأله‌ای	۰/۲۲
۴) نیاز و خواسته‌ها	۰/۲۱
۵) دیگران مهم (خانواده)	۰/۱۱
۶) دیگران مهم (دوستان)	۰/۱۱
۷) آرمانها	۰/۱۱
۸) دیگران مهم (سایرین)	۰/۰۸

ملاحظه می‌شود که نگرانی و دغدغه‌های آینده بیشترین سهم مشارکت در نگرش به رفاه اجتماعی افراد

می‌باشند و تأثیر آن در شکل‌گیری نگرش به رفاه اجتماعی در خور توجه نمی‌باشد.

نکته قابل توجه دیگر این است که از نظر جوانان و مسائل پراهمیت آنها، مبارزه با تورم در صدر می‌باشد و سپس حفظ نظم و قانون در مرحله دوم قرار گرفته و در مراحل بعد با يك اختلاف درصد بالا، حفظ ارزشهای دینی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و آزادی بیان و مطبوعات مورد توجه هستند.

نقطه تمرکز جوانان در مورد دغدغه‌ها و نگرانی‌ها نیز معطوف به آینده آنها ذکر شده است. به طوری ۸۴/۳ درصد اولویت اول را آینده فرزندان و جوانان عنوان کرده‌اند و ۷۸ درصد به مشکلات اقتصادی و ۷۷ درصد به اشتغال و ۷۵ درصد تحصیل و ۷۳ درصد به سلامتی جسمی و روانی فکر می‌کنند.

جداول (۳-۲) و (۳-۳) اولویت‌ها را نشان می‌دهند. در مورد دیگران مهم، اولویت اول اثرگذار در نگرش به رفاه اجتماعی نخست خانواده، سپس دوستان و در مرحله سوم افراد یا دیگران مهم معرفی شده‌اند. در واقع سرچشمه اصلی نگرش‌ها به موضوع رفاه اجتماعی مانند بسیاری از مسائل اجتماعی خانواده می‌باشد.

جمع‌بندی اولیه نیز حاکی از آن است که ابعاد ذهنی و عینی رفاه اجتماعی، توأمان و به شکل درهم تنیده‌ای در اجزای نگرش به رفاه اجتماعی جوانان حضور دارند و تفکیک یا اولویت‌بندی آنها با توجه به اختلاف اندک، نکته ویژه‌ای را بر ملا نمی‌کند.

۶- تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات درباره رابطه تأثیر ارزشهای اجتماعی بر نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی

محوری‌ترین بحث این مطالعه بعد از شناختن اولویت‌های ارزشی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین نگرش به رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، برقراری رابطه بین گرایش به ارزشها و نگرش به رفاه اجتماعی است و پاسخ به این سؤال که برآستی ارزشها آیا در نگرش‌ها مؤثرند؟ فرض زمینه‌ای این مطالعه بر تأثیر گرایش‌های ارزشی بر نگرش به رفاه اجتماعی است. لذا برای ارزیابی این فرضیه‌ها به تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات مطروحه پرداخته می‌شود. در جدول (۴-۱) تا (۴-۴) به آزمون فرضیات پرداخته شده

مورد بررسی که همانا جوانان ۱۵ تا ۳۰ می‌باشند را، از آن خود کرده است و در این معادله ضریب بتا معادل ۰/۵۰ است و به این معناست که به ازای يك واحد تغییر نگرانی‌ها و دغدغه‌های آینده افراد مورد بررسی، ۰/۵ تغییر در نگرش به رفاه اجتماعی بوجود می‌آید.

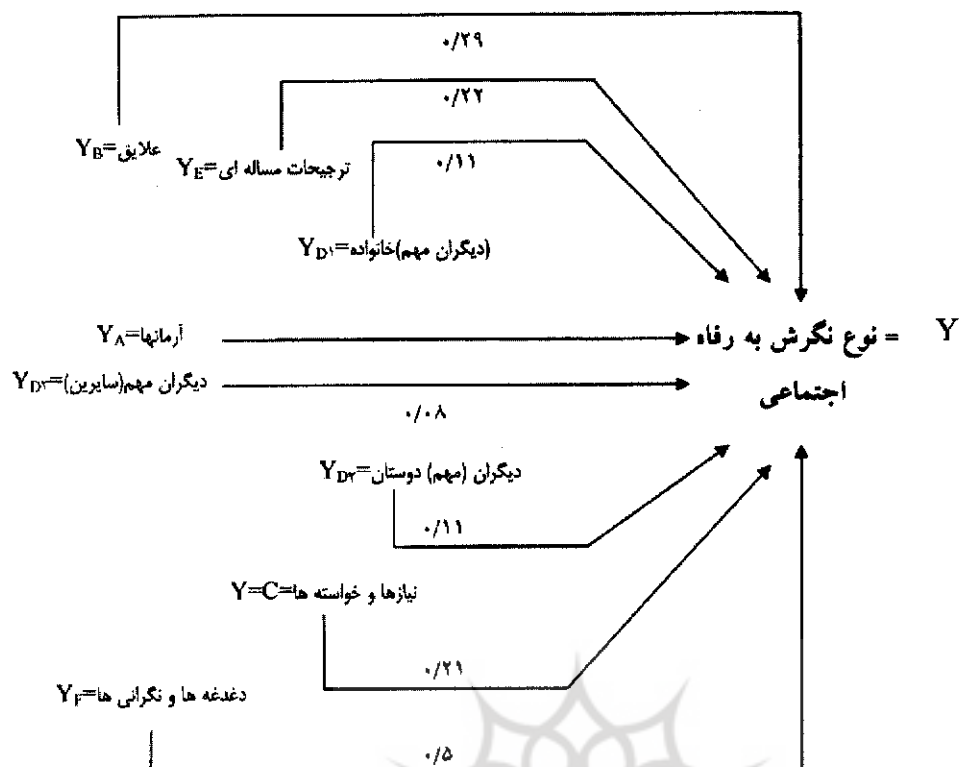
در واقع تفکر درباره آینده و نگرانی‌ها و مسائلی چون اشتغال، مشکلات اقتصادی، مسکن، تحصیل، سلامتی، آینده فرزندان و جوانان و مشکلات خانوادگی و ازدواج جوانان از مواردی است که در ذهن و ضمیر افراد مورد بررسی بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی نگرش آنها به رفاه اجتماعی، به خود اختصاص داده است.

علائق افراد مورد بررسی به داشتن وسایل زندگی مثل اتومبیل، خانه، تلفن ثابت و همراه و موارد دیگر نیز به عنوان دومین متغیر تأثیر گذارنده در نگرش به رفاه اجتماعی بدست آمده است و ضریب بتای آن معادل ۰/۲۹ است به این ترتیب که به ازای يك واحد تغییر در علایق افراد مورد بررسی ۰/۲۹ تغییر در شاخص نگرش به رفاه اجتماعی بوجود می‌آید.

ترجیحات مسأله‌ای سومین متغیر اثرگذار بر نگرش به رفاه اجتماعی است. به طوری که نظر افراد مورد بررسی درباره مسائل مهم کشور با ضریب بتای (Beta) ۰/۲۲ در شکل‌گیری این نگرش نقش مهمی را داراست. در این معادله مشخص می‌شود که در مقابل يك واحد تغییر در ترجیحات مسأله‌ای افراد مورد بررسی، ۰/۲۲ تغییر در نگرش به رفاه اجتماعی پدیدار می‌شود.

بعد از متغیر ترجیحات مسأله‌ای، متغیر مهم نیازها و خواسته‌ها با اختلاف اندکی در رتبه بعدی قرار گرفته است. این متغیر به موضوع پول و تأثیر آن در نگرش افراد به رفاه اجتماعی می‌پردازد و به ضریب بتای آن (Beta) معادل ۰/۲۱ در آمده است.

سه متغیر مهم دیگر شامل دیگران مهم (خانواده)، دیگران مهم (دوستان) و آرمانها می‌باشند که هر سه با ضریب بتا (Beta) آنها ۰/۱۱ می‌باشد به طوری که به ازای يك واحد تغییر در سه متغیر فوق، ۰/۱۱ تغییر در نگرش به رفاه اجتماعی افراد حاصل می‌شود. در نهایت کمترین ضریب Beta با ۰/۰۸ مربوط به دیگران مهم می‌باشد که این دیگران مهم کسانی به غیر خانواده و یا گروه همسالان



گرایش‌های ارزشی را بر نگرش به رفاه اجتماعی تأیید می‌کند. در عین حال برای دو گرایش ارزشی همچنانکه از ابتدای مطالعه پیش‌بینی شده بود رابطه معنی‌دار بدست نیامد. به طوری که بین گرایش به ارزشهای مذهبی با مصادیقی چون توجه به حیات اخروی و ساده‌زیستی و کم‌خوری و کم‌پوشی و همچنین گرایش به ارزشهای اجتماعی با مصادیقی چون خدمت اجتماعی، یاری رساندن، از خودگذشتگی با نگرش به رفاه اجتماعی رابطه معنی‌داری بدست نیامد. اصولاً با توجه به سنخیت دو ارزش مذهبی و اجتماعی تأیید این فرضیه که افراد دارای گرایش به ارزشهای مذهبی و اجتماعی از سطح پایین نگرش به رفاه اجتماعی برخوردارند، دور از ذهن نمی‌باشد. گرچه این رابطه براساس آزمونهای آماری تأیید نشده است اما با توجه به این قرینه که هیچ رابطه‌ای بین این دو گرایش ارزش اجتماعی و مذهبی با نگرش به رفاه اجتماعی بدست نیامده نشان می‌دهد که افراد دارای گرایش‌های ارزشی مذهبی و اجتماعی را براحتی نمی‌توان در کنار افراد دارای گرایش‌های اقتصادی، سیاسی، علمی و هنری قرار داد.

است. بر این اساس ملاحظه می‌شود، بین گرایش به ارزشهای نظری با نگرش به رفاه اجتماعی رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با بالا رفتن گرایش به ارزشهای نظری (علمی) بر نگرش به رفاه اجتماعی جوانان مورد بررسی افزوده می‌شود.

در مورد رابطه گرایش ارزشهای اقتصادی و نگرش به رفاه اجتماعی، مشخص می‌شود که رابطه‌ای مستقیم برقرار است. به طوری که با افزایش گرایش به ارزشهای اقتصادی بر میزان نگرش به رفاه اجتماعی افزوده می‌شود. در واقع این نکته همخوانی قابل توجهی را از نتایج مختلف این مطالعه بدست داده است. در صدر قرار گرفتن ارزشهای اقتصادی و رابطه معنی‌دار و مستقیم آن با نگرش به رفاه اجتماعی، مؤید تأثیرگذاری ارزشهای اقتصادی در شکل‌دهی نگرش به رفاه اجتماعی می‌باشد. خاصه این که این رابطه با سطح معنی‌داری نزدیک به ۱۰۰ درصد تأیید می‌شود.

در این مطالعه همچنین مشخص شد که با بالا رفتن گرایش به ارزشهای هنری و ارزشهای سیاسی بر میزان نگرش به رفاه اجتماعی افزوده می‌گردد. این نکته نیز تأثیر

۸- نتایج حاصل از تحلیل و تبیین داده‌ها در

مورد گرایش‌های ارزشی افراد مورد بررسی

اولویت‌های بدست آمده از نظام ارزشهای جوانان مورد بررسی از رجحان ارزش‌های ابزاری و مادی بر ارزش‌های ذاتی خبر می‌دهد. در واقع در صدر نشانیدن ارزش‌های اقتصادی و به رتبه پنجم رفتن ارزشهای مذهبی مؤید این نکته است. به همین سان این نشانه‌ها، قرینه‌ای از سمت و سوی کلی جامعه به سوی ارزشهای مادی و ابزاری است که خود را در سلسله‌مراتب ارزشی افراد بویژه جوانان به نمایش گذاشته است. این داده‌ها تأیید دیدگاه اینگلهارت مبنی بر تأکید بر رفاه مادی است. ظاهراً جوانان بیشتر نگران نیازهای فوری و آنچه تهدیدشان می‌کنند هستند تا چیزهایی که بدور از دسترس بوده و غیر ضروری بنظر می‌آیند. به عنوان مثال بی‌توجهی و بی‌اشتهایی نسبت به ارزشهای سیاسی نیز حاکی از آن است که جوانان نسبت به بحث مشارکت‌های سیاسی دلیل کم تأثیری عمل سیاسی خود کاملاً آگاهی دارند. لذا آن را در قعر جدول گرایش‌های ارزشی خود قرار داده‌اند؛ البته لازم بذکر است که مشارکت سیاسی به مفهوم حضور در عرصه انتخابات نیست. بلکه چنانچه ارزشهای سیاسی در نظام ارزشهای فرد جایگاه خود را پیدا کند بر سطح مشارکت سیاسی در جامعه می‌افزاید. توجه به این نکته نیز ضروری است که گرایش به ارزشهای سیاسی جوانان که دارای پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت هستند می‌تواند فراز و فرود داشته باشد و این امر بی‌تردید نیاز به برنامه‌ریزی برای فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دارد. فرضیه کمیابی اینگلهارت که می‌گوید اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی است نیز در نتایج این داده‌ها پیداست. به طوری که در صدر گرفتن ارزشهای اقتصادی حتی در سه منطقه مورد مطالعه حاکی از آن است که جوانان بیشترین ارزش را برای آن مواردی قائلند که عرضه آنها برایشان نسبتاً کم است. نکته قابل توجه هماهنگی پراکندگی و واریانس ارزشهای شش گانه با منطقه سکونت افراد مورد بررسی است. به طوری که پراکندگی افراد مورد بررسی و گرایش‌های ارزشی آنها در سه سطح پایین، متوسط و بالا با سه منطقه ۱، ۱۱ و ۱۹ شهر تهران کاملاً هماهنگ است و

۷- نتایج حاصل از توصیف داده‌ها درباره افراد

مورد بررسی

در این مطالعه محقق به بررسی يك حجم نمونه ۳۰۰ نفری از جامعه آماری جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله سه منطقه از شهر تهران مبادرت کرد. میانگین سنی گروه مورد مطالعه ۲۰/۷ سال می‌باشد که نزدیک به ۸۰ درصد آنها مجرد بوده و ۸۶/۶ درصد آنها نیز فاقد فرزند می‌باشند. از جوانان مذکور ۱۸/۳ درصد به خارج سفر داشته‌اند و به میزان مساوی در مناطق ۱ و ۱۱ و ۱۹ سکونت دارند. ۳۴/۴ درصد جوانان مذکور محصل و دانشجو بوده و به لحاظ شغلی نیز ۷۳ درصد آنان فاقد شغل می‌باشند. متوسط خرج زندگی خانواده ۶۵ درصد از جوانان مذکور کمتر از ۳۰۰ هزار تومان بوده و ۱۱/۷ درصد نیز بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان دارای متوسط خرج زندگی در ماه می‌باشند. ۸۷/۳ درصد از سرپرستان خانوارهای افراد مورد بررسی شاغل می‌باشند و ۴۱ درصد از آنان درآمد ماهانه ۲۰۰ تا ۴۵۰ هزار تومان را دارا هستند. میانگین درآمد سرپرست‌های خانوار ۳۳۸ هزار تومان است که با میانگین خرج زندگی در ماه که بالغ بر ۳۲۵ هزار تومان نزدیک می‌باشد.

۵۸/۶ درصد از جوانان مورد مطالعه دارای تحصیلات دبیرستان و پیش‌دانشگاهی بوده و میانگین سال‌های تحصیلی آنها ۱۲ سال می‌باشد. در حجم نمونه افراد بیسواد دیده نمی‌شود. میانگین تحصیلات افراد سرپرست خانوار جوانان مذکور ۱۰ سال می‌باشد که با میانگین خود آنها اختلاف زیادی ندارد. میانگین ساعات مطالعه مجله در ۱/۷۴ ساعت، روزنامه ۲/۵۸ ساعت، استفاده از رادیو ۱/۸۲ ساعت و همین شاخص برای تلویزیون ۸/۱۹ ساعت در هفته می‌باشد.

بیشترین ساعات استفاده از تلویزیون ۲۱ ساعت و به طور متوسط روزانه ۳ ساعت می‌باشد. میانگین هفتگی استفاده از ماهواره ۲/۵۴ ساعت و همین شاخص برای اینترنت ۲/۳۹ ساعت است.

مصرف هفتگی از فیلمهای ویدئوکلپ ۱/۸۹ ساعت است. از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۱۹/۷ درصد افراد مورد بررسی در سطح پایین، ۴۵/۷ درصد در سطح متوسط و ۳۴/۷ درصد نیز در سطح بالا قرار دارند و بالاترین

این نکته يك بار ديگر انطباق شیب اجتماعی را با شیب جغرافیایی مورد تأیید قرار می‌دهد. براساس تئوری نیازهای مزلو که تأکید بر نیازهای اولیه دارد، مشاهده شد که گرایش به ارزشهای اقتصادی از منطقه ۱ تا منطقه ۱۹ که در آن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی کاهش می‌یابد، دارای سیر صعودی است.

در عین حال تبیین داده‌ها نشان می‌دهد که ارزشهای اجتماعی در اولویت دوم نظام ارزشها و ارزشهای نظام یافته جوانان قرار دارد و این به این مفهوم است که مصادیقی چون انسان دوستی، دیگرخواهی و از خودگذشتگی مفاهیم و واژه‌هایی بیگانه نیستند. و این نکته در مناطق پایین تر محسوس است. لازم بذکر است که ارزشهای اجتماعی از نظر درون‌مایه شباهت زیادی با ارزشهای مذهبی دارند. براین اساس در منطقه ۱۹ که ارزشهای مذهبی اولویت سوم را داراست، ارزشهای اجتماعی تجلی بیشتری از خود نشان می‌دهند. همخوانی گرایش به ارزشهای ششگانه با سطح متوسط پایگاه اقتصادی - اجتماعی مؤید دیدگاه مهم اینگلهارت می‌باشد که معتقد است رشد ارزشهای فرامادی نیازمند دوره‌های طولانی رونق و شکوفایی اقتصادی است و او به این جهت تغییر ارزشها را امری نامرئی می‌پندارد.

تغییر اولویتهای ارزشی نیز در این مطالعه نکته قابل توجهی است. امیر ملکی در پایان نامه خود سلسله مراتب ارزشی در میان نوجوانان را به ترتیب نظری (علمی)، اقتصادی، هنری و سیاسی و اجتماعی و مذهبی بدست آورده بود (۱۳۷۲: ۸۴) درحالیکه در این مطالعه ارزشهای اقتصادی به صدر رفته‌اند و ارزشهای سیاسی در ته جدول قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج این مطالعه با مطالعه منوچهر محسنی (۱۳۷۹) که بیان داشته است جامعه در مسیر حرکت به سوی ارزشهای مادی گرایانه است و ارزشهای مادی در نسل ۱۶ تا ۲۴ در حال رشد می‌باشد دارای هماهنگی قابل توجهی است.

انحراف معیار (SD) بدست آمده در مطالعه فعلی حاکی از آن است که جوانان پاسخگو یا پاسخگویان جوان کمترین انحراف معیار (SD) پاسخ‌ها را، نخست در مورد ارزشهای اقتصادی داشته‌اند. این نکته به این معنی است که آنها در مورد تشخیص ارزشهای اقتصادی دارای کمترین پراکنندگی در نظرات بوده و بیشترین شباهت را دارند. در مورد پس

زمینه‌های اجتماعی تبیین داده‌ها نشان می‌دهد که با بالا رفتن تحصیلات پدر خانواده از گرایش به ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، هنری و نظری کاسته می‌شود. این نکته تئوری جامعه‌پذیری هربرت مید را تأیید می‌کند که شکل‌گیری ارزشها به عنوان زیر مجموعه‌ای از نظام شخصیتی افراد، معلول یا پدیده آمده عوامل اجتماعی کننده آنها مانند خانواده و مدرسه است و از طرفی داده‌های بدست آمده مؤید تئوری نیاز مزلو و فرضیه اجتماعی شدن اینگلهارت می‌باشد که ارزشهای مادی آرام آرام و بتدریج رنگ باخته و جای خود را به ارزشهای فرامادی می‌دهند. هرچند که در این مطالعه این نتیجه‌گیری باید با احتیاط انجام شود. نکته قابل تأمل دیگر در تبیین داده‌ها در این مطالعه این است که ملاحظه می‌شود که با بالا رفتن سطح درآمد خانواده‌ها از تعلق به ارزشها کاسته می‌شود. یا اگر به تعبیری احتیاط آمیز عنوان کنیم نظام ارزشهای جوانان، تضعیف می‌گردد. اگر قایل به آن باشیم که ارزشها بخش نرم‌افزاری شخصیت آدمی و عاملی حرکت‌آفرین و تعیین کننده برای نحوه رفتار او هستند باید به موضوع بسیار حائز اهمیت ضعیف شدن نظام ارزشها توجه ویژه کنیم. زیرا اسئوال این است که چه جایگزینی برای آن وجود دارد. خاصه آنکه مطلع اصلی این نظام ارزشی، گرایش به ارزشهای اقتصادی است، انسان اقتصادی بنا به تعبیر آلپورت انسانی است که علاقه به جمع‌آوری ثروت دارد و به فکر سودمندی اشیاست و عمل‌گرایی ویژگی خاص اوست و علم بدون کاربرد را تلف کردن وقت می‌شمارد.

تضعیف نظام ارزشها آن هم در بین جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال یادآور روایت ژان ژاک روسو از انسان اروپایی قرن بیستم است آنجاکه می‌گوید «بر اثر دوران متمدن شدن ساختگی، [انسان] روحاً عوض شده است و آن هماهنگی باطنی را که بشر در اصل خلقت خود داشته از دست داده است!»

این که ارزشهای فرامادی، مانند ارزشهای سیاسی و ارزشهای مذهبی جوانان در این مطالعه با منطقه سکونت نسبت معکوس دارد نقطه قابل توجهی است. به طوری که تبیین داده‌ها نشان می‌دهد جوانان در منطقه ۱۹ دارای گرایش بالا به ارزشهای سیاسی و بویژه مذهبی می‌باشند. این نکته با تئوری اینگلهارت سازگاری ندارد که معتقد است با بهبود وضعیت اقتصادی ارزشهای فرامادی در فرد پدیدار

اجتماعی در خانواده‌هایی که از نظر سطح درآمد پایین هستند به نسبت بالاتری وجود دارد. منطقه سکونت نیز مؤید تئوری اینگلهارت می‌باشد. به طوری که در مناطقی که رونق و شکوفایی اقتصادی بیشتری وجود دارد، نگرش‌های اقتصادی کمتر است. در واقع مناطق برخوردار به موضوع نگرش به رفاه اجتماعی در سطح پایین‌تری اهمیت می‌دهند.

در مورد تأثیر رسانه‌های جمعی این مطالعه نشان داد که یک رابطه معنی‌دار و قوی بین ایجاد نگرش بالا به رفاه اجتماعی با ویدئو کلپ وجود دارد. در حقیقت ویدئو کلپ‌ها مروج فیلم‌های معروف و مشهوری هستند که بر احوالی ارزشهای مختلف را ترویج می‌دهند.

این نتیجه با مطالعه فرامرز رفیم‌پور (۱۳۷۳) کاملاً هماهنگ است. زیرا در آن مطالعه اینچنین نتیجه‌گیری شد که نمایش «فیلم عروس» نقطه آغازین در ترویج ارزشهای مادی به‌شمار می‌آید. از طرف دیگر این نکته تئوری جامعه‌پذیری را که یکی از عناصر اجتماعی‌کننده را استفاده از رسانه‌ها می‌داند تأیید می‌کند. در همین راستا، استفاده از اینترنت موجب کاهش سطح نگرش به رفاه اجتماعی است. و در عین حال سفر به خارج که نشان از گستره دایره روابط اجتماعی فرد است بر سطح نگرش به رفاه اجتماعی تأثیر مثبت دارد. این مطالعه دیدگاه اینگلهارت را نیز تأیید می‌کند که با بالا رفتن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی از میزان نگرش به رفاه اجتماعی کاسته می‌شود.

تئوری نیاز مزلو نیز با این یافته دارای سازگاری است. به طوری که با رفع حوائج اولیه اهمیت نگرش به رفاه اجتماعی دچار کاهش می‌شود.

نکته قابل توجه این مطالعه این است که بین تلویزیون و نگرش به رفاه اجتماعی علی‌رغم آن که بیشترین میزان مصرف این کالای فرهنگی در جامعه وجود دارد رابطه معنی‌داری بدست نیامد. مفروض اصلی این بود که تلویزیون به عنوان معلمی نیرومند در شکل‌دهی و انسجام نگرش‌ها مؤثر است و اصولاً تبلیغ رفاه با پخش آگهی‌های تلویزیونی، یکی از علل اصلی در ایجاد احساس محرومیت به‌شمار می‌آید و همواره این نکته مورد تأیید جامعه‌شناسان بوده است که در تبلیغ رفاه و ایجاد احساس محرومیت ناگزیر از ایجاد يك نقطه تعادل هستیم که هیچگاه جدی

می‌شود. گویا این نکته را باید یکی از ویژگی‌های بومی و بایسته‌های ارزشی و فرهنگی جوانان به حساب آوریم و برای تبیین آن به تئوری پردازی اقدام کنیم. در عین حال نتیجه این مطالعه با مطالعه محمدرضا منفرد (۱۳۸۳) که معتقد بود افراد مورد مطالعه در سطح مادی هستند و هنوز به ارزشهای فرامادی رو نیاورده‌اند، دارای هماهنگی می‌باشد.

پیام نهایی تبیین داده‌ها و داده‌های تبیینی در این مطالعه این است که تعادل ارزش‌ها نیازمند ایجاد يك تعادل پایدار در پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانوادگی جوانان مورد بررسی است. که به تعبیر اینگلهارت نیازمند يك تجربه مشترك جامعه‌پذیری در يك بستر زمانی مطلوب است. تا از این طریق يك نظام متعادل ارزشی که به عقیده پارسنز برآیندی از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و منزلت است، پدیدار شود. به نظر می‌رسد که اولویت ارزشهای اقتصادی و نزول ارزشهای سیاسی و مذهبی که به طور طبیعی انگاشتن یکی به منزله چشم‌پوشی از دیگری است می‌تواند چرخه نظام ارزشها را که نیازمند يك حرکت طبیعی است دچار مشکل سازد.

از نظر شوارتز نیز از افرادی که دارای تجربیات مشترك به دلیل دارا بودن موقعیت‌های مشترك در ساختار اجتماعی هستند، می‌توان انتظار داشت که دارای اولویت‌های ارزشی مشابه باشند. این دیدگاه نیز با تحقیق تجربی این مطالعه اثبات گردید زیرا اکثر جوانان از يك الگوی مشابه ارزشی خبر دادند.

در انتها شاید بازگشت به ایده اصلی این مطالعه در ابتدا بی‌مناسبت نباشد آنجا که در طرح مسأله از مولانا، بیان شد. که:

آدمی اول حریص نان بود زانکه قوت نان غذای جان بود

۹- نتایج حاصل از تحلیل و تبیین داده‌ها در مورد نگرش به رفاه اجتماعی

داده‌های تبیینی در مورد نگرش به رفاه اجتماعی گویای آن است که جوانان مرد و مردان جوان در این مطالعه بیش از جوانان زن و زنان جوان دغدغه رفاه مادی دارند. این نکته ظاهراً به خاطر ایفای نقش مردان در تحرك اجتماعی طبیعی است. منطقه سکونت در این مطالعه متغیر زمینه‌ای دیگری است که در واقع نشان می‌دهد که نگرش به رفاه

گرفته نشده است. در هر حال این رابطه در این مطالعه بدست نیامد.

اما تبیین رگرسیون چند متغیره مقیاس «نگرش به رفاه اجتماعی» با گویه‌های تشکیل دهنده آن نیز نشان داد که نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، علایق، ترجیحات مسأله‌ای، نیازها و خواسته‌ها و دیگران مهم، عمده متغیرهای اثرگذار بر نگرش فرد به رفاه اجتماعی است. نتایج حاکی از آن است که جوانان دارای نگرانی می‌باشند، و بنا بر فرضیه کمیابی اینگلهارت، آنان بیشتر نگران مشکلاتی چون مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، تحصیل، سلامتی، آینده فرزندان و جوانان، مشکلات خانوادگی و ازدواج هستند، و این موارد عمده‌ترین متغیرها در شکل‌دهی نگرش به رفاه اجتماعی است. علایق یعنی داشتن ماشین و وسایل رفاهی و بالاخره مسأله‌های مرجع فرد در نگرش به رفاه اجتماعی مؤثر بوده‌اند.

مطالعه نشان می‌دهد که بین اولویت ارزشهای فرد یعنی ارزشهای اقتصادی، با میزان نگرش به رفاه اجتماعی و دغدغه‌ها و نگرانی‌ها که به طور کامل از جنس اقتصادی می‌باشند انطباق قابل نتیجه‌گیری وجود دارد به طوری که نشان می‌دهد، فرضیه کمیابی اینگلهارت نیز وقتی که این موارد را در کنار هم قرار می‌دهیم تأیید می‌شود. مطالعه نشان می‌دهد که خانواده و دوستان، همسو با تئوری اجتماعی شدن هربرت مید در شکل‌دهی نگرش‌ها کاملاً مؤثرند به طوری که عامل چهارم در شکل‌دهی نگرش به رفاه اجتماعی خانواده و گروه همسالان بدست آمده است. در واقع جوانان ۱۵ تا ۳۰ در سه منطقه ۱، ۱۱ و ۱۹ تهران موضوع نگرش به رفاه اجتماعی را از منظر خانواده و دوستان بازیابی و ارزیابی کرده‌اند. به این اعتبار فرد در سایه سار جامعه‌پذیری، هنجارها، ارزشها، گرایش و نگرش‌ها را برای زندگی اجتماعی برمی‌گزینند. اما همچنانکه اینگلهارت بر آن صحنه گذاشته است تجربه مشترک جامعه‌پذیری که همواره از رفاه اجتماعی و اقتصادی به عنوان نیازهایی که به راحتی بدست نمی‌آیند صحبت شده و جوانان تحت تأثیر چنین فضایی به نگرش بدست آمده، رسیده‌اند. آنان در مسائل خود مبارزه با تورم (۹۴/۷ درصد)، حفظ نظم و قانون (۸۷/۶ درصد) را به عنوان دو اولویت مهم (اول و دوم) در ارزشهای مادی خود عنوان کرده‌اند و بعد با اختلاف زیادی به حفظ ارزشهای دینی (۲۸/۷ درصد) و

مشارکت سیاسی (۲۷ درصد) و بالاخره آزادی بیان (۲۶/۷ درصد) رأی داده‌اند. در تبیین نظری نگرش جوانان به دغدغه‌ها و نگرانی‌ها گویا باید فضا و زمان را به خاطر آوریم که چگونه جوان روزگار ما خود را از اسارت قیدوبندها و باید و نبایدها رها کرده و زنده و زاینده بودن خود را در بدست آوردن اولویتهای خود می‌داند. گویی زبان نو، نگاه نو، ارزش نو و نگرش نوین یافته و برای خودگسختی و جرأت تحوّل و بهره‌گیری از دستاوردهای تازه را يك اصل پایسته می‌داند. به طوری که اولویتهای مادی بیشترین تموج را در اندیشه و ذهن او بوجود می‌آورد.

صرف نظر از تحلیل اشاره شده تأکید اینگلهارت نیز بکار می‌آید. آنجا که جایگاه ویژه‌ای برای شهرنشینی قائل می‌شود. بدیهی است که حجم نمونه مورد مطالعه در کلان شهری مانند تهران به حوائج و لوازم زندگی آنچنان می‌اندیشد که تأثیر قابل توجهی به فردیت، ارزشها و نگرش‌های او نهاده به گونه‌ای که او را کاملاً با يك انسان روستانشین متمایز می‌کند و در مجموع درك بحرانهای اقتصادی مشترك، آرایش تازه‌ای از ارزشها و نگرش‌ها را در او پدیدار ساخته است.

۱۰- نتایج حاصل از تحلیل و تبیین داده‌ها در مورد رابطه بین تأثیر گرایش‌های ارزشی بر نگرش به رفاه اجتماعی

رابطه بین تأثیر ارزشهای اجتماعی بر نگرش به رفاه اجتماعی داده‌های تبیینی این مطالعه بیانگر آن است که اولویتهای ارزشی و ارزشهای اولویت یافته، رابطه معنی‌داری با نگرش به رفاه اجتماعی دارند و به طور کلی می‌توان قائل شد که ارزشها می‌توانند نگرش‌ها را شکل داده و سمت و سوی آن‌ها را جهت بخشند و همچنانکه در این مطالعه مشخص شد چهار گرایش ارزشی اقتصادی، اجتماعی، نظری و هنری که بخش قابل توجهی از نظام ارزشهای جوانان، را به عنوان زیرمجموعه‌ای از نظام شخصیت تشکیل می‌دهند، در شکل‌دهی نگرش به رفاه اجتماعی مؤثرند. این داده‌ها تأیید می‌کند که ارزشها اطلاق صدور فرمان رفتار و باید و نبایدهای مربوط به نگرش رفاه اجتماعی می‌توانند باشد.

نکته افزودنی دیگر این است که بین گرایش به ارزشهای مذهبی که در انتهای نظام ارزشی افراد دسته‌بندی شده بودند

مداوم را فراهم نمی‌کند و معمولاً داده‌ها مقطعی بوده و ترسیم يك هندسه مشخص از تغییرات ارزشها و نگرش‌ها را بدست نمی‌دهد.

۲- نبود مقیاس و طیف‌های کارآمد در زمینه سنجش ارزشها و نگرش‌ها که در آن بایسته‌های محیطی و بومی لحاظ شده باشد و تناسب لازم با جوانان و نظام شخصیتی آنها داشته باشد، مهمترین مشکل و مانع این پژوهش و پژوهش‌های مشابه است. به طوری که بویژه در مورد نگرش به رفاه اجتماعی محقق ناگزیر از ساختن مقیاس گردید که علی‌القاعده مقیاس‌های محقق ساخته دایره تعمیم و تفسیر آن فراگیر نخواهد بود.

۱۵- پیشنهادات

۱- درباره نظام گرایش‌های ارزشی افراد مورد بررسی
 ۱- با توجه به این که اولویت‌های ارزشی جوانان در سطح کل و حتی در سه منطقه ۱، ۱۱ و ۱۹ ارزش اقتصادی است. لازم است در جهت ایجاد تعادل در نظام ارزشی نهادهای ارزش آفرین مانند خانواده، آموزش و پرورش و صدا و سیما برنامه عمل لازم را تدارک نموده و برنامه‌ریزی نهادهای مروج ارزش‌ها مانند رسانه‌ها و مطبوعات برای این مهم ضروری است. بدیهی است پرداختن به تبلیغ رفاه، می‌تواند احساس محرومیت را در مخاطبان فراهم کند. به همین لحاظ تأمل در یافتن نقطه تعادل مناسب زیربنا و نقطه عزیمت اصلی برای هر گونه ترویج ارزشهای فرامادی است.

۲- تشکیل نهاد خانواده و تقویت ازدواج برای تأثیر گذاری و تحکیم ارزشهای مذهبی دارای تأثیر مستقیم است. متأسفانه در بین جوانان امر مقدس ازدواج در شمار اولویتهای پایین قرار دارد که این موضوع از هر جهت در سلامت جامعه و صیانت از نهاد مقدس خانواده تأثیر منفی دارد.

۳- این مطالعه نشان داد که ارزشهای اجتماعی، مذهبی و به تعبیری ارزشهای فرامادی حداقل در جهت رشد و اعتدال نمی‌باشند و یا به تعبیر احتیاط آمیز نظام ارزش‌ها تحت تأثیر فضا و زمان حداقل يك دهه گذشته، در حجم نمونه مورد مطالعه در حال تضعیف است. لذا ضروری است برای تقویت ارزشها و بسط ارزشهای اجتماعی و مذهبی تلاش گسترده در غالب تلاشهای بنیادی و نه

هیچ گونه همبستگی بدست نیامد. این نکته نیز از این جهت قابل توجه است که در واقع ارزشهای غالب می‌توانند در تعیین نگرش به رفاه اجتماعی مؤثر باشند و در واقع داده‌های تبیینی نیز این نتیجه را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین بین گرایش به ارزشهای اجتماعی با مصادیقی چون نعدوستی و گذشت نیز رابطه‌ای معنی‌دار بدست نیامد که در بحث تحلیل داده‌ها به آن پرداخته شد.

۱۱- تفسیر و تعمیم داده‌ها

به اجمال باید بیان شود که حداقل در حجم نمونه مورد مطالعه و با احتیاط در جامعه آماری مورد نظر، بحث اولویتهای ارزشی اقتصادی و نگرش به رفاه اجتماعی يك واقعیت ریشه‌دار برای نسل جوان به‌شمار می‌رود که در متن جامعه شهری حضوری چشمگیر دارد. ذکر این نکته کاملاً ضروری است که به اعتبار برقراری چند رابطه بین متغیرها یا بالا و پایین رفتن شدت این رابطه‌ها نمی‌توانیم برای مسأله پراهمیت تأثیر ارزشها بر نگرش به رفاه اجتماعی حکمی صادر نماییم و به نظر می‌رسد که بسیاری از عوامل پنهان و اثرگذار ناشی از تعاملاتی است که در ساختارهای اجتماعی وجود داشته که بر محقق ناشناخته است. اما در تفسیر داده‌های این مطالعه می‌توانیم این نکته را بیان کنیم که قطعاً رفاه اجتماعی، اهمیت خود را در آینده ارتقاء خواهد بخشید و بدین اعتبار مسأله اصلی در آینده برای مدیران و مدبران فرهنگی و اجتماعی جامعه، بدست دادن تدبیری برای چگونگی ایجاد تعادل بین فراز و فرود ارزش‌ها و نگرش به رفاه اجتماعی است. زیرا مآلاً سیر تحولات اجتماعی در قشر وسیع جوانان بی‌تأثیر نخواهد بود. خاصه آنکه متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به عنوان بخشی مهم از نظام قشر بندی اجتماعی دارای تأثیر مستقیم می‌باشد و افت و خیز آن به آشکار شدن تفاوت‌های اجتماعی کمک مستقیمی خواهد نمود.

۱۴- مشکلات و موانع پژوهشی

۱- برای سنجش مداوم ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان با توجه به این که این جمعیت هدف بیش از ۶۰ درصد جامعه ایران را به خود اختصاص داده است. لازم است سازوکاری مداوم برای رصد تغییرات ارزشی و نگرشی تدارک دید و سمت و سوی تحولات و تغییرات ارزشی را واکاوی نمود. خلاصه چنین مراکز می‌توانستند امکان يك مطالعه زماندار و

صوری عملی شود.

اطمینان بخش در سطح جامعه و تلاش در جهت رفاه اجتماعی می تواند شرایط لازم را برای ایجاد نگرشی متعادل به رفاه اجتماعی ایجاد کند.

۳- درباره رابطه بین تأثیر ارزشهای اجتماعی و نگرش به رفاه اجتماعی

۱- این مطالعه نشان داد که بخش قابل توجه گرایش های ارزشی در شکل گیری نگرش به رفاه اجتماعی مورد مطالعه مؤثر است. این گام مقدماتی می تواند در قالب یک مطالعه گسترده و به قصد تعمیم یافته ها به صورت جدی تری اجرا شود.

۲- تقویت نظام ارزش ها و ارزشهای نیازمند تقویت در این مطالعه، دو عاملی است که به عنوان دو اصل اساسی برای شکل دهی نظام آموزش ارزشها در نهادهای آموزشی چون خانواده، آموزش و پرورش و صدا و سیما می تواند در دوران کودکی و نوجوانی مورد اهتمام جدی قرار گیرد.

یادداشت ها

۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گزارش ربع قرن عملکرد، ۱۳۸۳
۲. سربابی، حسن، مقدمه ای بر نمونه گیری، ص ۱۳۳

فهرست منابع

۱. اینگلهارت، رونالد؛ ۱۳۷۱، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر
۲. اینگلهارت، «نوسازی و پ نوسازی» ترجمه علی مرتضویان، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۳
۳. آزادارمکی، تقی و... «بررسی تحولات اجتماعی فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهران» ۱۳۷۹، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۶، تهران، مرکز پژوهشهای بنیادی
۴. بیرو، آلن؛ ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان
۵. جغتایی، محمدتقی و همی، فریده؛ سیاست اجتماعی؛ ۱۳۸۰، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی
۶. پیران، پرویز؛ نگاهی به مفاهیم فقر و فقرزدایی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، تهران

۲- درباره نگرش به رفاه اجتماعی افراد مورد بررسی

۱- حل دغدغه ها و نگرانی ها و از بین بردن هراس از آینده با سیاست اجتماعی مناسب و ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی ضروری است. به طوری که نگرانی آغاز شده در بین جوانان می تواند در یک روند رو به افزایش و صعودی قرار گیرد و موجب رشد ارزشهای ابزاری به صورت افراطی شود.

۲- پیراستن سیاست های تأمین و رفاه اجتماعی از ضعف ها و نقص ها در قالب برنامه های کوتاه مدت و توجه ویژه به جوانان با اجرای پروژه های اجتماعی و فرهنگی مناسب، و تدوین برنامه های بنیادی رفاه اجتماعی در قالب برنامه های میان مدت و بلندمدت.

۳- با توجه به این که در این مطالعه جوانان دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی سطح متوسط دارای تعادل مناسبی از نظر ارزشها و نگرش ها بودند می توان این موضوع را به عنوان یک برنامه اجرایی مدنظر داشت و این سطح بایسته از نیازها، علایق و خواسته ها را محقق نمود.

۴- این که در این مطالعه نگرش به رفاه اجتماعی با یک رسانه قوی جمعی مانند تلویزیون رابطه معنی دار ندارد قابل تأمل است و به نظر می رسد سرچشمه اصلی نگرش به رفاه اجتماعی قبل از آن که رسانه ها باشند، محیط اجتماعی و تجربه به جان زیسته جوانان است. خاصه این که نگرش به رفاه اجتماعی با منطقه سکونت دارای رابطه ای کاملاً معنی دار است و به همین دلیل ترویج یک مدل متوسط از رفاه اجتماعی که هم برطرف کننده نیازها و هم تعدیل کننده آرمانها و آرزوها باشد کاملاً ضروری است. بدیهی است کاربرد ی کردن دستاوردهای مطالعات مشابه برای رسیدن به یک مدل مناسب ضروری است.

۵- تأمل در تولید، توزیع و نحوه مصرف رسانه های ارزش آفرین و تأثیر گذار در این مطالعه شامل اینترنت و ویدئو کلپ کاملاً ضروری است. و این امر متوجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

۶- تدوین سیاست اجتماعی مناسب برای ایجاد اطمینان از آینده و چشم انداز مطلوب از رفاه اجتماعی در نزد جوانان یکی از ضرورت های است که در پیشنهادات این مطالعه باید بر آن بیشترین تأکید را کرد. زیرا ترویج یک منبع

۲۲. فیتز پتریک، تونی؛ نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ۱۳۸۱، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
۲۳. فصلنامه های رفاه اجتماعی، شماره ۱ تا ۸ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۸۲
۲۴. فصلنامه «نامه پژوهش» ویژه ارزشهای اجتماعی شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۸، تهران، مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۵. گالبرایت، جان کنت؛ ۱۳۶۶ ماهیت فقر عمومی، ترجمه سیدمحمدحسین عادل، انتشارات اطلاعات
۲۶. کیوی، الف و کامینهود، دال؛ ۱۳۷۰، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، فرهنگ معاصر
۲۷. کریمی، یوسف؛ روان شناسی اجتماعی، ۱۳۸۱، تهران، نشر ارسباران
۲۸. کوهن، آرتور؛ تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی، ۱۳۷۸، ترجمه علیرضا کلدی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۲۹. ملکی، امیر؛ ۱۳۷۶، پایگاه اجتماعی و گرایش های ارزشی نوجوانان؛ پایان نامه کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس
۳۰. مزلو، ابراهام. اج؛ انگیزش و شخصیت؛ ۱۳۷۲، ترجمه احمد رضوانی؛ مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲
۳۱. مندراس، هانری؛ گوروپچ، ژرژ، مبانی جامعه شناسی؛ ۱۳۶۹، ترجمه باقر پرهام، تهران، امیرکبیر
۳۲. ماکارو، دیوید؛ رفاه اجتماعی، ساختار و عملکرد؛ ۱۳۷۸، ترجمه محمد تقی جغتایی و فریده همتی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- فهرست منابع لاتین
- Allport, G.W; Becoming: (1955) A- psychology of personality. New Haven: Yaleuniversity Press.
 - Gordon W. Allport, Philip E. Vernon. Gardnerlindzey (1960) "Study of Values". Boston Houghton. Mifftin compony.
۷. ترابی، تقی؛ ۱۳۷۵، عدالت اجتماعی، توزیع درآمد و فقر، سازمان برنامه و بودجه تهران
۸. چلبی، مسعود؛ بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، ۱۳۸۱، تهران مؤسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات
۹. دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۱، ارزش ها و نگرش های ایرانیان، ویرایش اول، تهران
۱۰. دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۲، ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج دوم، تهران
۱۱. رفیع پور، فرامرز؛ ۱۳۷۲، سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، نشر ارغنون
۱۲. رفیع پور، فرامرز؛ ۱۳۶۹، کندو کاوها و پنداشته ها، تهران، انتشار
۱۳. رفیعی، حسن، «بررسی تطبیقی دیدگاههای توسعه و رفاه اجتماعی در ایران» ۱۳۸۰، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۴. زاهدی اصل، محمد؛ ۱۳۸۱، مبانی رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی چاپ اول
۱۵. سربابی، حسن؛ ۱۳۷۲، مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق، تهران سمت
۱۶. سوره، توماس؛ ۱۳۵۴، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی- اقتصادی، ترجمه م. آزاده، تهران
۱۷. ساروخانی، باقر؛ ۱۳۷۰، دایرةالمعارف علوم اجتماعی؛ تهران، کیهان
۱۸. سازمان بهزیستی، ۱۳۶۸، «فقر و آسیبهای اجتماعی»، مجموعه مقالات اولین سمینار فقر و فقرزدایی، تهران
۱۹. شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور؛ ۱۳۷۹، به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی و دانشگاه توانبخشی
۲۰. صدیقی افشار، غلامحسین و دیگران، ۱۳۷۳، فرهنگ فارسی امروز تهران، انتشارات کلمه
۲۱. عسگری خانقاه، اصغر و آزادارمکی، تقی، ۱۳۸۰ «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران